



ازدواج و طلاق

ویلیام ماریون برانهام

جفرسونویل، ایندیانا
۶۵-۰۲۲۱M

ازدواج و طلاق

ویلیام ماریون برانهام

جفرسونویل، ایندیانا

۶۵-۰۲۲۱M

Marriage and Divorce

William Marrion Branham

Jeffersonville, Indiana

65-0221M



www.bargozidegan.net

۱. حال اجازه دهید چند لحظه برای دعا سرهایمان را خم کنیم. شکر می کنیم که امروز صبح این افتخار را پیدا کردیم تا در این سالن باشیم و با ثمره‌ی روز مواجه شویم. از تو ممنونیم. نمی دانیم که امروز چه چیزی دربردارد، ولی می دانیم چه کسی روز را در اختیار دارد. پس دعا می کنیم او که امروز و فردا و تمام ابدیت را در اختیار دارد، امروز درحالی که به نام او دور هم جمع شده ایم، ما را مبارک سازد، تا بهتر بدانیم که چگونه زیست کنیم و او را خدمت نماییم. پدر! این تمام هدف ماست. خداوندی که قلب های ما را می شناسد، می داند که این حقیقت است. خودمان را به تو می سپاریم... و مابقی روز، جهت خدمت به تو. در نام عیسی مسیح، آمین!

بفرماید بنشینید.

۲. [برادر برانهام با یک نفر روی جایگاه صحبت می کند.]

متشکرم. این هم یکی دیگر، بفرماید.

۳. صبح بخیر به تمام حاضرین و همچنین کسانی که اینجا نیستند و از طریق ارتباط تلفنی با ما همراه هستند. برای من این افتخار بزرگی است که به اینجا بیایم و امروز صبح درمورد این موضوع حیاتی صحبت کنم. خطاب به حاضرین در جلسه، این برای من کمی گیج کننده است، زیرا درست اینجا در برابر من پرده هایی هست و من باید رو به

سمت راست و سمت چپ آن صحبت کنم، برای اطلاع کسانی که اینجا نیستند، یک تالار سمت راست و یک سالن ورزشی در سمت چپ دارم. من اینجا روی جایگاه هستم و پرده‌های مابین باز شده، که سمت راست و چپ من را تشکیل می‌دهد. و امروز صبح در تالار و همچنین سالن ورزش سرریز از جمعیت شدیم و نیز کلیسا... کلیسایی که در تقاطع خیابان هشتم و پن^۱ وجود دارد و بخاطر ازدحام جمعیت، خطوط تلفن صدای ما را به جاهای دیگر می‌رساند.

۴. اوقات عظیمی را در خداوند سپری کردیم و امروز صبح برای این جلسه انتظار عظیمی داریم. امشب بعنوان آخرین شب این گردهمایی چهار روزه، حتماً از همه دعوت می‌کنیم در صورت امکان اینجا باشند. اطمینان داریم که خداوند امشب یک کار عظیم برای ما خواهد کرد، یک کار بسیار فوق‌العاده که بواسطه‌ی آن بیماران را شفا بدهد و کارهای عظیمی که معمولاً انجام می‌دهد. امشب انتظار عظیمی داریم. از همه صمیمانه دعوت می‌کنیم، هر کسی، هر کلیسایی با هر عنوانی، حتی لازم نیست که شما یک مسیحی باشید. ما مسلماً گناهکاران را دعوت می‌کنیم که بیایند، در میان ما بنشینند و تمام تلاشمان را خواهیم کرد که به آنها تعلیم دهیم راه‌های خداوند چیست، تا به آن زیست کنیم.

۵. حالا، من امیدوارم که شنوندگان مضطرب و ناآرام نشوند و اعتقاد دارم که خدا مرا نیز یاری خواهد کرد تا مضطرب نباشم، چون من شب بی‌نظیری داشتم، فشار زیادی بود. نتوانستم بخوابم، زیرا می‌دانم چیزهایی را که امروز صبح در موردشان صحبت می‌کنم، در روز داوری از من بازخواست خواهد شد و اگر آن را نگویم، در روز داوری بر علیه من محسوب خواهد شد. پس این... این را مشکل می‌کند. شما نمی‌توانید این را توضیح بدهید.

۶. و حالا، امروز صبح ما می‌خواهیم در مورد یک موضوع عالی یعنی «ازدواج و طلاق»

سخن بگویم. دلیل اینکه این موضوع را برای درس یکشنبه انتخاب کردم، این است که بجای اینکه در مورد آن موعظه کنم، بتوانیم در مورد آن صحبت کنیم و وقت بگذاریم، این تعلیمی است از کتاب مقدس.

۷. و من... می‌خواهم بگویم که اگر نوار را منتشر کردیم و هر خادمی یا خادمی در هر مکانی این نوار به دستشان رسید... نمی‌دانم کلیسا در این مورد چه کاری می‌خواهد انجام دهد. من از برادر فرد^۲ درخواست می‌کنم پیش از انتشار این نوار امنای کلیسا را ببیند. و شما که دستگاه ضبط نوار را در سراسر کشور دارید! لطفاً تا اعلام برادر سوتمن^۳ از انتشار نوار خودداری کنید.

۸. و حالا، اگر منتشر شود، هر یک از برادران خادم، یا هر مسیحی در هر جایی ممکن است با چیزهایی که من در مورد این موضوع می‌گویم، موافق نباشد. امیدوارم که از آن انتقاد نکنید. اگر درک شما از این مسئله چیزی نیست که من تعلیم می‌دهم، خوب بعنوان خادم و یک شبان این حق شماست. من به هر چیزی که شما باور دارید، احترام می‌گذارم.

۹. دو تفکر عمده در این مورد وجود دارد. و اگر دو تفکر وجود داشته باشد، یا یکی از آنها درست است و یا هیچ یک از آنها درست نیستند. پس امروز صبح می‌خواهیم تلاش کنیم که به کلام خدا پردازیم تا این را مشخص کنیم. به نظر من، اگر این یک سؤال کتاب مقدسی باشد، باید یک پاسخ کتاب مقدسی داشته باشد.

۱۰. و حالا، درست پیش از اینکه به این پردازیم و این موضوع را شروع کنیم، پیش از اینکه برای کلام دعا کنم، می‌خواهم این را برای هر کدام از شما بیان کنم که من... اشتیاق دارم که شما، بویژه شما مسیحیان، من... من می‌خواهم امروز صبح شما برای من

دعا کنید و همه‌ی شنوندگانی که امروز صبح به این گوش می‌کنند، برای من دعا کنند، زیرا من می‌خواهم امین و صادق باشم.

۱۱. حالا، ما از این توضیحات متوجه می‌شویم، یک نفر، اگر او فقط یک نفر باشد، آن را ادامه خواهد داد؛ انگار بین مرگ یا زندگی باشد. در اینجا خیلی از شما هستید که با پذیرش و ایمان به آن اینجا را ترک خواهید کرد. البته خیلی از شما هم به احتمال زیاد این کار را نخواهید کرد. می‌دانم، در خدمت من افرادی هستند که می‌آیند به من گوش بدهند، امروز صبح اینجا نشسته‌اند، از اقصی نقاط جهان، خیلی‌ها از ایالات متحده، کانادا و آن سوی آب‌ها. می‌توانید تصور کنید که دانستن اینکه سرنوشت ابدی افراد در دستان شما قرار دارد، چه فشاری را بر شما وارد می‌کند. چون او شما را در برابر هر چه گفته‌اید، مسئول می‌داند. پس خدا از این بابت از من بازخواست خواهد نمود و من می‌خواهم با تمام صداقت ممکن به آن پردازم.

۱۲. حالا من از خواهرانمان درخواستی دارم. بعضی از حرف‌هایم را اصلاح کردم تا بتوانم در حضور آنها صحبت کنم. بیلی^۴ امروز صبح در جیب خود چیزهایی دارد که نمی‌شود در برابر یک جمعیت مختلط از آن صحبت کرد. بعضی چیزها را شاید بگویم، باید این را درک کنید. با تمام تلاش خودم، این را از برادر خود بپذیرید. ممکن است که شما در مطب یک پزشک بنشینید و به او گوش کنید و او کلمات صریحی به شما بگوید. نمی‌خواهم که برخی از شما خانم‌ها و مردان جوان برداشت غلطی داشته باشید. می‌خواهم ایمان داشته باشید و سر جای خود بنشینید، به یاد داشته باشید، حقیقت باید راستی اعلام شده باشد.

۱۳. و اکنون تردیدی نیست که در اینجا خیلی از شما با چیزهایی که اینجا گفته خواهد شد، موافق نخواهید بود؛ ولی می‌خواهم این را با کتاب مقدس به شما اثبات کنم. ایمان

^۴ Billy اشاره به خود برادر برانهام

دارم اگر فقط آرام باشید و گوش دهید، بهتر خواهید فهمید و درک بهتری از آنچه من در تمام مدت به آن می‌پردازم، خواهید داشت. باور دارم که این توضیحش خواهد داد، به این ایمان دارم.

۱۴. حالا، ممکن است یک کم طولانی باشد، یک ساعت و نیم و یا ممکن است کمی طولانی‌تر شود. نمی‌دانم چقدر زمان خواهد برد.

۱۵. و حالا دوباره، می‌خواهم بگویم که در این زمان، می‌دانیم که مردم روی حرف شما حساب می‌کنند، بله همین‌طور است، نسبت به شبانانشان، من هم شبان بوده‌ام.

۱۶. آنها روی حرف یک شبان حساب می‌کنند، گویی این حد مرگ و حیات است. آنها روی حرف شبانان حساب می‌کنند، درست مانند اینکه مسئله‌ی موت و یا حیات است. و البته، شبان، با وجود اینکه می‌داند چکار باید بکند، به قوش دقیقاً همان‌طوری تعلیم می‌دهد که خودش در مدرسه‌ی علوم دینی تعلیم گرفته است. بدون شک این مسئله در مورد کاهنان، در مذاهب مختلفی که کاهن دارند هم صادق است. یک شبان حقیقتاً یک کاهن است، او یک متوسط است. پس یک کشیش، با تمام چیزی که خودش در آن تعلیم یافته، در مدارس علوم دینی و صومعه‌ها، با صداقتی عمیق، هر چه را که خودش تعلیم گرفته، بیان می‌کند.

۱۷. خوب، من هیچ تجربه‌ای از مدارس دینی و یا صومعه ندارم، به هیچ عنوان هم مخالف آن نیستم، ولی من یک زندگی خاص داشته‌ام.

۱۸. زمانی که فقط یک پسر بچه بودم، خوانده شدم و در آن یک نشانه‌ی آشکار و شنیدنی به من داده شد، ستون آتشی که در میان بوته‌ای بود؛ در هفت سالگی، همین‌جا در یونیکا پایک.^۵ پدرم برای آقای او. اچ. واتن^۶ کار می‌کرد که به تازگی در گذشته

است. شما کتاب را خوانده‌اید و داستان را می‌دانید. در آن زمان بر روی رودخانه و سپس آشکارا در مقابل مردم نمایان شد و اکنون تصویر آن ثبت شده است، به دفعات، و در واشینگتن^۷ در موزه‌ی هنرهای مذهبی بعنوان تنها وجود ماوراءالطبیعه‌ای که تاکنون از نظر علمی ثابت شده، تصویرش گرفته و نصب شده است. همان ستون آتش، دقیقاً به همان شکل، همان که اسرائیل را از مصر بیرون آورد. ایمان دارم که این عیسی مسیح به شکل روح در پسریِ خداست.

۱۹. چون نخستین بار که آمد، «پسر انسان» خوانده می‌شد، در سلطنت هزار ساله او پسر داود خواهد بود. او بعنوان پسر انسان، یعنی یک نبی آمد، همان‌گونه که در موردش گفته شده بود، حالا او پسر خداست، در ماوراءالطبیعه. در سلطنت هزار ساله‌ای که می‌آید، او پسر داود خواهد بود که بر تخت داود می‌نشیند. همان‌طوری که تمام خوانندگان کتاب مقدس می‌دانند، این وعده‌ی الهی خدا به داود است که پسر او را بر کرسی او خواهد نشاند.

۲۰. و حالا، در یک خدمت خاص، من همه چیز از «خدا» تا «شریر» نامیده شده‌ام و این همیشه این‌گونه بوده است.

۲۱. این چیزی است که اسقف اعظم کلیسای کاتولیک یک شب به من گفت. موضوع صحبت این بود که او گفت: "برادر برانهام! یحیی تعمید دهنده در کتاب مقدس به وضوح خود را آن‌طور که اشعیا نبی گفته بود، شناساند." او گفت: "خدمت تو به روشنی در کلیسا شناخته شده است." او گفت: "لوتری‌ها در کتاب مقدس هستند." گفت: "لوتری‌ها، لوتر را می‌شناسند؛ وسلی‌ها، وسلی را می‌شناسند، ولی در مورد پنطیکاستی‌ها چه؟" گفت: "آنها سرگردانند، نمی‌دانند کجا بروند."

و من گفتم: "آقا! از این قدردانی می‌کنم."

۲۲. و آن، زمانی بود که روح‌القدس بر آن زن قرار گرفت که هرگز من را ندیده بود، همسرش را می‌گویم، او سخن گفت و دقیقاً همان چیز را بیان کرد.

۲۳. حالا راستش را بخواهید، قبل از پیغامی که امروز صبح از آن صحبت می‌کنم، نمی‌دانم... من به او گفتم، به او گفتم: "آقا! نمی‌توانم این را بگویم، این حرف بزرگی است. این‌طور به نظر می‌رسد."

۲۴. یک چیز را می‌دانم و آن این است که قطعاً چیزی واقع شده است. تمام این چیزها به شکل علمی ثابت شده و در سرتاسر دنیا نیز به اثبات رسیده است. این نمی‌تواند فقط یک افسانه باشد، این یک حقیقت است. این چیست؟ بگذارید پیش از اینکه امروز صبح برای شما پیغام بدهم، اعترافی بکنم. تا زمانی که از او بشنوم، همان‌طور که در گذشته با من تکلم کرده و این چیزها را به من گفته است، جرأت نمی‌کنم هیچ حرکتی انجام دهم.

۲۵. به یاد داشته باشید که عیسی مسیح هرگز خود را در مقام پسر خدا نشناسانده بود. او گفت: "تو می‌گویی که هستم. از این جهت متولد شدم." ^۸ و غیره... ولی او هرگز خود را نشناساند.

۲۶. و حال این همان ستون آتشی بود که بنی‌اسرائیل را هدایت کرد، که خداوند عیسی مسیح در قالب روح بود، (آیا به این ایمان دارید؟) لوگوس که از خدا خارج شد.

۲۷. و سپس زمانی که او روی زمین بود، گفت: "من از جانب خدا آمده‌ام و به جانب او نیز بازمی‌گردم." همه‌ی ما آن را می‌دانیم.

^۸ اشاره به انجیل یوحنا ۱۸:۲۷

۲۸. و پس از مرگ، تدفین و رستاخیزش، شائول در مسیر خود از طرسوس به دمشق بود تا به مسیحیان جفا برساند، چون آنها داشتند در تضاد با چیزی که آنها تعلیم گرفته بودند، تعلیم می‌دادند. او یک جنگجوی بزرگ بود، تحت تعلیم غمالائیل، یکی از معلمین برجسته‌ی آن زمان، در دانشکده‌ی آنها، در صومعه‌ی آنها، مردی بزرگ و یک مأمور کلیسا. و آنجا بود که یک نور عظیم، دوباره ستون آتش، او را بر زمین انداخت، وسط روز. و صدایی گفت: "شائول، شائول چرا به من جفا می‌رسانی؟"^۹

۲۹. حالا اگر توجه کرده باشید، زمانی که پولس، شائول سرپا ایستاد، گفت: "خداوند! تو کیستی؟" حالا، آن پسر یک یهودی بود، به راستی او هیچ چیز را خداوند نمی‌خواند، مگر آنکه نماد خدا باشد. او چیزی را «خداوند» نمی‌خواند. پس این همان ستون آتش بود.

۳۰. همان‌طور که عیسی گفت: "نزد خدا می‌روم... از نزد خدا آمده‌ام... و به نزد خدا بازمی‌گردم."

۳۱. و او اینجا بود، دوباره برگشته بود به ستون آتش... او گفت: "من آن عیسی هستم که تو به او جفا می‌رسانی و تو را بر میخ‌ها لگد زدن دشوار است."

۳۲. و متوجه می‌شویم زمانی هم که پطرس رسول (کسی که برای بنای کلیسا کلید به او بخشیده شد.) در زندان بود، همان ستون آتش از زنده‌های زندان رد شد، درهای زندان را باز کرد و پطرس را به شکل اسرارآمیزی از زندان بیرون برد. بدون اینکه نگهبانان را آشفته کند. این برای من "عیسی مسیح دیروز، امروز و تا ابدآباد همان است"،^{۱۰} می‌باشد.

۳۳. و شما هر چیزی را از روی ذاتش خواهید شناخت. هر چیزی از ذاتش شناخته می‌شود، یعنی میوه‌ای که ثمر می‌آورد. و از شما می‌خواهم ببینید این نور که خداست، چه

^۹ اشاره به اعمال رسولان باب ۲۶
^{۱۰} عبرانیان ۸:۱۳

نوع میوه‌ای ثمر می‌آورد، زیرا همیشه به کلام خدا بازمی‌گردد و کلام خدا را اثبات می‌کند. موعظه‌ی کلام خدا و بطور اساسی خدا کلمه را در حضور شما ثابت می‌کند. اینجا باید چیزی ماورای آن وجود داشته باشد.

۳۴. مردم مرا یک نبی می‌خوانند. من خودم را یک نبی نمی‌نامم، زیرا شهادت این را ندارم. ولی باید بگویم... می‌توانم این را بگویم که خداوند اجازه می‌دهد من بعضی چیزها را از پیش ببینم، چیزهایی را بینم که قبل اتفاق افتاده، در آینده اتفاق می‌افتد یا در حال اتفاق افتادن است. و در هر ده‌ها هزار بار، حتی یک بار هم اشتباه نشده است. هر چیزی که او گفته باید اتفاق بیفتد، اتفاق افتاده است. همه‌ی ما این را می‌دانیم. اگر کسی در بین حاضرین اینجا یا هر جای دیگری که حضور دارد، بتواند بگوید که یک بار اشتباه شده، شما مجاز هستید بلند شوید و بگویید که این اتفاق افتاده است. ولی اگر همه این را می‌دانند که همیشه و هزاران بار کامل و درست بوده است، بگویید «آمین».

[جماعت پاسخ دادند: «آمین!»] پس در تمام دنیا همین است.

۳۵. چیزی در شرف وقوع است. خدا هرگز این چیزها را نمی‌فرستد، مگر اینکه هدفی پشتش باشد.

۳۶. من امروز صبح درحالی که دکمه سردست می‌پوشیدم، فکر می‌کردم. (من این را اینجا گذاشته‌ام. این یکی از یادداشت‌های من است.) خیلی از شما درباره‌ی آن ستاره‌ی سینما شنیده‌اید، چین راسل،^{۱۱} مادر او یک پنطیکاستی است. و دنی هنری^{۱۲} فامیل اوست، فامیل نزدیک. او فرزند خواهرِ مادر اوست.^{۱۳} او یک باپتیست بود. او ۲ سال پیش در جلسه‌ی تاجران انجیل تام در لس‌آنجلس، کالیفرنیا،^{۱۴} حضور داشت.

Jane Russell^{۱۱}

Danny Henry^{۱۲}

بسر خاله^{۱۳}

Los Angeles, California جنوب غربی آمریکا^{۱۴}

۳۷. و من تازه صحبت از یک مطلب تأثیرگذار، قوی و عالی را به اتمام رسانده بودم که حتی ناظر (یکی از ناظران عمومی جماعت ربانی) از بالکن، جایی که نشسته بود، پایین آمد و گفت: "من فکر نمی‌کنم برادر برانهام منظورش این باشد."

۳۸. گفتم: "باید قصد و منظور داشته باشم، آقا! این «خداوند چنین می‌گوید» است." و بعد... مطالب درباره‌ی کلیسای این دوره بود.

۳۹. در آن زمان، این مرد جوان که یک تاجر است... برادرش اینجا است... او، او آنجا بود تا برای تلویزیون تصویربرداری کند. برادر دیگر او... سرپرست وزارت راه در کالیفرنیا است. دنی هنری به این شکل قدم روی جایگاه گذاشت، جایی که همه‌ی آن مردان نشسته بودند. جلو آمد، دستانش را دور من حلقه کرد و این عبارات را گفت: "برادر برانهام! امیدوارم این توهین به مقدسات نباشد." و گفت: "این می‌تواند باب ۲۳ مکاشفه را بسازد." درحالی که مکاشفه ۲۲ باب دارد. او گفت: "من امیدوارم این توهین به مقدسات نباشد." او چیزی بیشتر از این نگفت. حال، آن پسر یک باپتست بود و هیچ چیز راجع به ماوراءالطبیعه نمی‌دانست. درحالی که دستانش دور من حلقه شده بود، شروع کرد به صحبت به زبان‌های بیگانه.

۴۰. و زمانی که صحبت به زبان‌های ناشناخته به اتمام رسید، آنجا یک... یک خانم چهارشانه‌ی تیره که مقابل من نشسته بود، بلند شد و گفت: "نیازی به مترجم نیست." او گفت من از شریوپورت یا باتون روژ، لوئیزیانا^{۱۵} هستم... گفت: "واضح است که این فرانسوی است."

۴۱. ویکتور ل دو^{۱۶} نیز که فرانسوی بود، آنجا نشسته بود. او گفت: "درست است. من یک فرانسوی هستم و این کاملاً زبان فرانسوی است."

^{۱۵} Shreveport, Baton Rouge, Louisiana جنوب شرقی آمریکا
^{۱۶} Victor Le Doux

۴۲. من گفتم: "یک لحظه... پیش از اینکه چیزی بگوئید، تو هر چه را او گفته، بنویس و تو هم هر چه را او گفته، بنویس. چیزی را که می‌گوئید، بنویسید و بعد نوشته‌های شما را می‌بینیم." به این ترتیب نوشته یکی را و سپس نوشته دیگری را گرفتم، اینها... حتی در نقطه گذاری یکی بودند.

۴۳. و سپس، در همان لحظه که آنها نوشته‌ها را بالا آوردند، پسری خوش چهره با موهای روشن جلو آمد. چون جای کافی برای نشستن نبود، او سرپا ایستاده بود. او آن پشت ایستاده بود. جلو آمد و گفت: "یک لحظه صبر کنید. من هم می‌خواهم نوشته‌ای بدهم." گفت: "من مترجم زبان فرانسه برای یو.ان. (سازمان ملل متحد) هستم." او گفت: "من هم می‌خواهم یادداشتم را بدهم."

۴۴. هر سه یادداشت دقیقاً یکسان بودند. می‌شود آن را اینجا خواند. این یادداشت اصلی است، نه اینکه از روی آن رونویسی شده باشد، این یادداشت دنی است، خودش این را در جیبش گذاشته بود. مسلماً این به انجمن تاجران انجیل تام و... برده شده است.

"زیرا تو راه باریک را انتخاب کرده‌ای، راه سخت‌تر، تو در انتخاب خود قدم می‌گذاری. چیزی را که تو انتخاب کرده‌ای، تصمیم درست و دقیق را انتخاب کردی و این راه من است. بخاطر این تصمیم مهم، سهم عظیمی از آسمان منتظر توست. چه تصمیم باشکوهی گرفته‌ای! این به خودی خود داده خواهد شد و این چیزی است که باعث می‌شود ظفرهای عظیم در محبت الهی تحقق یابند."

۴۵. آن مرد اسم خود را اینجا امضا کرده است. عبارت بالا ترجمه شده بوسیله‌ی... نبوت شده توسط دنی هنری در حضور برادر برانهام و سه شاهد در کالیفرنیا، در لس‌آنجلس، کالیفرنیا.

۴۶. حالا، همان مرد جوان که این نبوت را کرد و نمی دانست چه می گوید، ماه پیش در اورشلیم بوده. او این افتخار را داشت تا برود و در مقبره‌ای که مسیح مرد و دفن شد، بخوابد. و می گفت در همان هنگام که آنجا خوابیده بوده، من به ذهنش رسیدم و او شروع به گریه کرده.

می گفت: "چقدر باید برای برادر برانهام سخت باشد که در برابر جهان، این چیزها و تمام کلیساها بایستد."

۴۷. مثل چیزی که یک بار درباره‌ی یکی، درباره‌ی بیلی گراهام^{۱۷} گفته شده بود که می گفت: "ما می توانیم بیلی گراهام را ببینیم، زیرا تمام کلیساها برایش متحد شده‌اند. ما اورال رابرتس^{۱۸} را می بینیم، پنطیکاستی‌ها. ولی اصلاً چطور می توانیم چیزی داشته باشیم، وقتی برخلاف چیزی است که به مردم تعلیم داده شده است؟" این خداست.

۴۸. و کاری که دنی برای سرگرمی انجام می دهد، این است که چیزهای سنگی درست می کند. او به سمت جایی رفت که صلیب در آنجا گذاشته شده بود. جایی که آنها می گفتند صلیب بر روی آن صخره گذاشته شده بود. کسی آنجا نبود، پس او تکه‌ی کوچکی از آن صخره را شکست و برای سوغاتی در جیب خود گذاشت، به خانه بازگشت و با آن برای من دکمه سردست درست کرد. و عجیب این است که وقتی آنها را درست کرده، به نظر می رسیده که روی آنها لکه‌ی خون است. داخل هر دو آنها یک خط ممتد وجود دارد، یک خط باریک و مستقیم از هر دو آنها عبور می کند. این ممکن است که فقط یک... می بینید؟ شاید یک نفر دیگر متوجه آن نشود، ولی برای من یک تشویق است برای چیزی که به آن ایمان دارم. ایمان دارم که هر چیزی یک مفهوم خاص در خود دارد.

۴۹. و حالا در این زمان، هر آنچه خدا دارد... اگر آنها آن چیزی نیست که او در ملاکی باب ۴ و همچنین در انجیل لوقا باب ۱۷ پیشگویی کرده و خیلی چیزهای دیگر که در این روزهای آخر اتفاق خواهند افتاد، (ممکن است من این را در آخر بگویم.) زمانی که او برمی‌گردد، اینها برای انسان پی‌ریزی شده‌اند. پس من خیلی سپاسگزارم که خدای قادر مطلق، اگر این‌گونه باشد، به من اجازه می‌دهد با اینکه کم سواد هستم، کارهای اندکی انجام دهم تا قدردانی خودم را نسبت محبت او به خودم، محبت من به او و محبت ما به مردم ابراز کنم.

۵۰. از این رو با صداقت به موضوع «ازدواج و طلاق» می‌پردازم. خداوند بر ما ترحم بفرماید.

۵۱. حالا با دقت گوش کنید و خواهران بیرون نروند. کمی آهسته. برادران! شما هم همین کار را بکنید. شما که خارج از اینجا هستید، رادیوهایتان را خاموش نکنید، کسانی که از طریق تلفن به ما وصل هستید، این کار را نکنید. و برای چند دقیقه همین‌طور آهسته بنشینید، تا زمانی که این تمام شود. با دقت گوش کنید. اگر موافق نبودید، آیاتی را که می‌گویم، یادداشت کنید. و سپس قبل از اینکه تصمیمتان را بگیرید، آنها را در دعا مطالعه کنید.

درحالی که تلاش می‌کنیم تا به این موضوع بپردازیم، خدا به ما کمک کند.

۵۲. حالا، ممکن است این کمی طولانی باشد، نمی‌خواهم عجله کنید. وقت بگذارید، همه‌ی ما. کلام خدا را مطالعه کنید، به درستی و بطور کامل، همان‌طور که می‌دانیم چگونه آن را مطالعه کنیم.

۵۳. با انجیل متی باب ۱۹ شروع کنیم. برای شروع فکر کنیم... می‌خواهم از آیه‌ی ۸ باب ۱۹ شروع کنم. شاید از آیه‌ی نخست در باب ۱۹ شروع کنم و تا آیه‌ی ۸ بخوانم.

۵۴. حالا به یاد داشته باشید، چیزی که من می‌گویم، باید از کلام خدا آمده باشد. این نمی‌تواند نظر شخصی من باشد. زیرا عقاید شخصی من هم مانند نظر هر شخص دیگری است. ولی باید در تداوم با کلام خدا باشد. به یاد داشته باشید که خدا همه چیز را در تداوم نگه می‌دارد. او هرگز تغییر نمی‌کند. او دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان است. به این ایمان دارید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] او همان است.

۵۵. حال از باب ۱۹ می‌خوانم.

"و چون عیسی این سخنان را به اتمام رسانید، از جلیل روانه شده، به حدود یهودیه از آن طرف اردن آمد^۲ و گروهی بسیار از عقب او آمدند و ایشان را در آنجا شفا بخشید^۳ پس فریسیان آمدند تا او را امتحان کنند..."

۵۶. اینجا مکث می‌کنم تا بتوانید متوجه تأکید بر این نکته بشوید، اینکه چه کسی می‌خواست او را امتحان کند.

"... و گفتند: "آیا جایز است مرد، زن خود را به هر علتی طلاق دهد؟"^۴ او در جواب ایشان گفت: "مگر نخوانده‌اید که خالق در ابتدا ایشان را مرد و زن آفرید،^۵ و گفت از این جهت مرد، پدر و مادر خود را رها کرده، به زن خویش پیوندد و هر دو یک تن خواهند شد؟^۶ بنابراین بعد از آن دو نیستند، بلکه یک تن هستند. پس آنچه را خدا پیوست، انسان جدا نسازد."^۷ به وی گفتند: "پس از بهر چه موسی امر فرمود که زن را طلاق نامه دهند و جدا کنند؟"^۸ ایشان را گفت: "موسی به سبب سنگدلی شما، شما را اجازت داد که زنان خود را طلاق دهید. لیکن از ابتدا چنین نبود."^۹

حال، خدا ما را یاری نماید.

۵۷. این آیه، این سؤال، مسیح در آغاز خدمت خود با آن مواجه شد، موسی در آغاز

خدمت خود با آن مواجه شد. این یکی از نخستین سؤالاتی است که در دل ایمانداران است. برای گناهکاران مهم نیست، ولی برای ایمانداران مهم است. چون ایماندار است که تمام تلاش خود را می‌کند تا در برابر خدا یک زندگی درست داشته باشد. از این رو، اگر سؤالی در مورد مذهب پیش آید، مسئله‌ی ازدواج و طلاق پیش می‌آید. چرا؟ زیرا این دلیل گناه اولیه است. اینجا جایی است که گناه شروع شد. و به این دلیل است که هر بار مطرح می‌شود، چون این ابتدای گناه است.

۵۸. حالا من زمان ندارم تا تمام این چیزها را توضیح بدهم، ولی بسیار خوشحال می‌شوم تا به نامه‌های شما و یا هر چیز دیگری که بتوانم، پاسخ بدهم. کتاب‌هایی داریم که درباره‌ی آن نوشته شده است و بریده‌های روزنامه‌ها و تمام این چیزها که این را اثبات می‌کند. می‌دانیم که این حوا بود... سببی که بر فرض او خورده، درحالی که اصلاً کتاب مقدسی نیست، حالا آنها ادعا می‌کنند که آن زردآلود بوده... ولی هیچ کدام از آنها نبوده. او مرتکب زنا شد تا فرزند نخست را به ثمر آورد، که قائن بود، فرزند خود شیطان. چون شریر در او قرار داشت، بدی از طریق هابیل نیامد، بلکه قائن که پسر شیطان بود.

۵۹. حالا من می‌دانم سؤال شما چیست. حوا گفت: "مردی از یهوه حاصل نمودم."^{۱۹} این کاملاً درست است.

۶۰. شما فاسدترین زن شهر را با بدترین مرد در نظر بگیرید، اگر آنها صاحب فرزندی بشوند، بچه از خداوند خواهد بود، چون خدا قانون را مقرر کرده است. و این قوانین... مانند طلوع خورشید است. شما خوار را در زمین خوب بکارید و می‌بینید که رشد خواهد کرد. باید رشد کند، چون این قانون خداست. زمانی که دانه کاشته شد، باید رشد کند و هیچ چیز نمی‌تواند حیات را رشد دهد، مگر خدا. چون این تحت قانون او عمل

می‌کند. بنابراین زمانی که بذر و تخم شیطان در رحم حوا کاشته شد، باید ثمر می‌آورد، چون این قانون باروری و تولید خدا بود. کار دیگری نمی‌توانست بکند، جز اینکه ثمر بیاورد. و باید از خدا می‌آمد.

۶۱. بخاطر همین است که مردم می‌گویند: "بچه‌های کوچک...". گاهی اوقات می‌گویند: "بچه‌هایی که از والدین مسیحی دنیا نیامده‌اند، فنا شده‌اند."

۶۲. خون عیسی مسیح برای او كفاره می‌کند. من اهمیت نمی‌دهم که چه تعداد دنیا آمده و یا چقدر شریر دنیا آمده باشد. بره‌ی خداست که گناهان جهان را برمی‌دارد، بچه‌های کوچک نمی‌توانند توبه کنند، زیرا چیزی برای توبه ندارند. و این گناه دنیا است که بوسیله‌ی خون عیسی برداشته شده است. بچه‌ها به ملکوت می‌روند.

۶۳. این گناه اولیه است و بخاطر همین است که مورد پرسش قرار گرفته است. وقتی همه پدیده‌های بزرگ از جانب خدا می‌آیند، نخستین چیزها، در مورد «ازدواج و طلاق» چطور؟ حالا، مانند همیشه، هنوز هم این سؤال بین مردم مطرح است، مانند زمان مسیح، مانند زمان موسی. این همیشه سؤال بوده و در این دوران هم همین سؤال را دارند. زیرا مردم می‌خواهند حقیقت را بدانند.

۶۴. ولی جایی که یک سؤال هست، باید یک پاسخ هم باشد. حالا یک پاسخ، همان‌طور که من هفته‌ی پیش گفتم، باید یک جواب درست باشد. اگر ما جوابی برای هر چیز بدست بیاوریم و آن درست نباشد، پس ما می‌فهمیم که اشتباه است. ولی در مورد آن... ما هنوز سؤال می‌کنیم، تا سؤال به درستی پاسخ داده شود. اگر می‌خواهید حقیقت را بدانید، با توجه به اینکه این یک سؤال کتاب مقدسی است، پاسخ هم باید یک پاسخ کتاب مقدسی باشد.

۶۵. مثل این است که من بگویم امروز صبح می‌خواهم به شرق بروم و بهترین حالتی که

این را بلدم... این است که باید چیزی خاص در این زمینه پیدا کنم و این درست در شرق قرار دارد، پس من به سمت شرق می‌روم. یک می‌گوید: "برادر برانهام! شرق اینجاست." اینجا بالقوه شرق است، ولی شمال شرقی است. به این شکل من از چیزی که دنبالش بودم صرف‌نظر خواهم کرد و با دانستن اینکه اشتباه بوده، برمی‌گردم. بعد اگر کسی بگوید: "برادر برانهام! از این راه برو، به سمت راست خود." حالا، این هم بالقوه شرق است. ولی جنوب شرقی است، من هدفی را که دنبال می‌کردم، گم خواهم کرد. چون از محدوده‌ی کامل و مسیر مستقیم خارج شده‌ام.

۶۶. حالا، اگر به این شکل باشد، ما دو گروه فکری در مورد ازدواج و طلاق داریم و این طوری است که یکی از آنها می‌گوید: "یک مرد فقط یک بار می‌تواند ازدواج کند، مگر اینکه همسرش مرده باشد." این یکی از تفکرات است. ولی در پیروی از آن، شما وارد افراط می‌شوید. و سپس آن دیگری می‌گوید: "اوه! اگر زن یا شوهر (هر کدام) زنا کنند، آن دیگری می‌تواند او را کنار بگذارد و دوباره ازدواج کند." شما در این هم افراط می‌کنید.

۶۷. پس ببینید، این نه شمال شرقی است و نه جنوب شرقی؛ ما درست شرق را می‌خواهیم. زمانی که شما از این طرف می‌روید از مسیر کلام خارج می‌شوید. وقتی از آن طرف هم می‌روید از کلام خارج می‌شوید. ما می‌خواهیم بدانیم که کجا کلام به کلام می‌رسد و بدانیم حقیقت آن کجاست. هر کدام راه متفاوتی را در پیش می‌گیرند و در بدست آوردن جواب درست اشتباه می‌کنند، ولی هنوز باید یک پاسخ وجود داشته باشد.

۶۸. این درست مانند امروز است که دو تعلیم متفاوت در کلیسا وجود دارد، یکی از آنها کالوینیسم^{۲۰} است و دیگری آرمینانیسم.^{۲۱} یکی از آنها شریعت‌گرایی و دیگری فیض

^{۲۰} Calvinism این تفکر برگرفته از آموزه‌ی امنیت ابدی (کالوینیسم) است که ایماندار با انجام هر گناهی فیض و نجات را از دست نخواهد داد.

است. متوجه می‌شویم افرادی که به فیض ایمان دارند، کالونیست‌ها، می‌گویند: "مبارک باد خدا! سیگار کشیدن من را آزار نمی‌دهد. نوشیدن مشروب من را اذیت نمی‌کند. می‌توانم این کارها را انجام بدهم، من امنیت ابدی دارم." بعد طرف دیگر را می‌بینیم، گروه شریعت‌گرا، می‌گویند: "من بیچاره‌اش می‌کنم، می‌خواهم ادبش کنم، ولی من یک مسیحی هستم. پس باید ساکت باشم." متوجه می‌شوید؟ شما خودتان را در دو راه متفاوت می‌بینید، که هیچ کدام درست نیست. با اینکه گفتن این سخت است، ولی حقیقت است.

۶۹. ما خود را در دو راه متفاوت می‌بینیم. یکی به یک مسیر و دیگری به مسیری دیگر. حالا ببینیم حقیقت چیست.

۷۰. حال، گوش کنید و ببینید این عاقلانه است یا نه. برای مثال، من آماده می‌شوم که به خارج از کشور بروم. خانواده‌ی خودم را مثال می‌زنم. همسرم را صدا می‌زنم که بیاید و می‌گویم: "عزیزم! ما... من دارم به خارج از کشور می‌روم." حال، این دیدگاه یک شریعت‌گراست. "حال، همسر! می‌خواهم برایت قانون را مشخص کنم. زمانی که من اینجا نیستم، اگر با مرد دیگری گرم بگیری، وقتی برگردم، تو یک زن مطلقه هستی. نمی‌خواهم چشم چرانی کنی، نمی‌خواهم با کسی گرم بگیری. متوجه می‌شوی؟ من شوهر تو هستم و وقتی برگردم، اگر این کار را کرده باشی، تو را کنار خواهم گذاشت."

۷۱. بعد او دستش را دراز می‌کند، کروات من را می‌گیرد و می‌گوید: "مرد خوب من! می‌خواهم چیزی به تو بگویم. می‌دانی، می‌دانی، اگر به زنی نگاه کنی، یا زنی را بیرون ببری، یا با زنی گرم بگیری، وقتی برگردی یک مرد مطلقه خواهی بود." حال آیا این یک خانه‌ی خوشبخت خواهد بود؟ این شریعت‌گرایی است. بسیار خوب.

^{۳۱} Arminianism این تفکر فلسفه‌ی کالونیسم را رد کرد و اعتقاد داشت که اراده‌ی آزاد انسان باید مطابق با حاکمیت خدا باشد.

۷۲. خیلی خوب حالا از طرف دیگر، اگر من به مأموریت خارج از کشور بروم و اشتباه کنم. بیرون بروم و بگویم: "خوب، بین من این زن را بیرون بردم. همسر من با این موضوع مشکلی ندارد، برای او مهم نیست." همسر من هم بگوید: "من با این مرد بیرون رفتم، بیل با این موضوع مشکلی ندارد، برای او مهم نیست." اگر برای من مهم نباشد، پس یک مشکلی دارم، یعنی من این زن را دوست ندارم. اگر برای او مهم نباشد، او یک مشکلی دارد. او همسر من است، نمی‌خواهم مردان دیگر با او سروکار داشته باشند. او همسر من است.

۷۳. حالا، راه درست این است. هر دو یک حقیقتی دارند، ولی حقیقت محض را ندارند.

۷۴. حالا، وقتی من به خارج از کشور می‌روم، برای اینکه کار درست را انجام دهم، خانواده‌ی من دور هم جمع می‌شوند و با همدیگر دعا می‌کنیم. من آنها را به خدا می‌سپارم و آنها من را به خدا می‌سپارند. زمانی که این کار را می‌کنیم، من به خارج از کشور می‌روم و می‌دانم که او مرا دوست دارد. من به او اعتماد دارم و او را دوست دارم. او هم به من اعتماد دارد. تا زمانی که او را به این شکل دوست دارم، او دیگر نگران این نیست که من با زنی بیرون بروم. تا زمانی که او مرا به این شکل دوست داشته باشد، دیگر نیازی نیست که من فکر کنم او با مرد دیگری بیرون خواهد رفت. زیرا او همسر من است و من به او اعتماد دارم.

۷۵. من اعتقاد دارم اگر به راستی من یک کار اشتباه انجام دهم و خطا کنم، با زنی بیرون بروم و برگردم اعتراف کنم و به او بگویم: "مدا! من منظوری نداشتم، در یک دام گرفتار شدم، این زن به سراغ من آمد، او بازوی من را گرفت و چنین و چنان کرد." ایمان دارم که او درک خواهد کرد. من ایمان دارم که او بخاطر این کار من را خواهد بخشید. اما من به هیچ وجه این کار را نخواهم کرد، به هیچ عنوان، چون او را دوست دارم. با وجود اینکه او مرا می‌بخشد، من این کار را نمی‌کنم. تحت هیچ شرایطی او را

آزار نمی‌دهم. با وجودی که می‌دانم او مرا بخاطر آن خواهد بخشید، نمی‌خواهم او را آزار بدهم.

۷۶. و در مورد خدا هم همین‌طور است. اگر من، اگر محبت فیلیو^{۲۲} که محبت انسانی است، باعث بشود که یک مرد این احساس را نسبت به همسرش داشته باشد، محبت آگاپه^{۲۳} که ترجمه‌ی یونانی آن می‌شود محبت خدا، چگونه؟ باعث می‌شود که من در مورد عیسی مسیح چه کنم؟ مادامی که بخواهم انجامش دهم و در قلبم باشد که انجام بدهم، خواه... می‌گویم مادامی که در دلم هست که انجامش بدهم، می‌روم و انجام می‌دهم. شریعت‌گرایی اجازه‌ی انجام این را به من نمی‌دهد، چون می‌دانم که با انجام آن مجازات خواهم شد. ولی حقیقت واقعی این است که وقتی محبت خدا وارد می‌شود، تا جایی که می‌خواهید این را انجام دهید. این حقیقت آن است. دو تفکر وجود دارند، نه شریعت‌گرایی یا دیگری، یا کالونیسم، هر دوی آنها.

۷۷. حالا، امروز ما می‌فهمیم که فرقه‌های بسیاری وجود دارد، کلیساهای کاتولیک داریم، کلیسای پروتستان. هر کدام از آنها می‌گویند که آنها راه درست هستند. می‌بینید؟ "ما راه درست را داریم. ما حقیقت هستیم." ما متدسیت‌ها را داریم که می‌گویند: "حقیقت نزد ماست." باپتیست‌ها می‌گویند: "حقیقت نزد ماست."

۷۸. خوب، به نظر من، تا زمانی که آنها چنین احساسی دارند، این‌گونه نیست. زیرا عیسی گفت: "من راستی هستم." می‌بینید؟

۷۹. بنابراین، همان‌طور که در موعظه‌ی دیشب اشاره کردم، او مکانی است که خدا نام خود را در آن قرار می‌دهد، تنها مکان پرستش. شما بخاطر پروتستان بودن، مسیحی نیستید. مسیحی بودن شما بخاطر کاتولیک بودن نیست. شما مسیحی نیستید چون

^{۲۲} Phileo عشق و دوستی انسانی
^{۲۳} Agapao لغت یونانی به معنی عشق خداوندی

متدیست، باپتیست و پنطیکاستی هستید. شما مسیحی هستید، چون توسط روح و نه آب، در عیسی مسیح تعمید یافته‌اید. «یک خداوند، یک ایمان، یک تعمید» و آن، تعمید روح القدس است. تعمید آب شما را وارد مشارکت می‌کند، تعمید روح القدس شما را وارد مسیح می‌کند. این حقیقت است.

۸۰. در مورد ازدواج و طلاق هم دو دیدگاه داریم. حال، خداوند ما، سر هفت مهر کلامش را در این ایام آخر برای ما گشوده است. حال، این برای خیلی از شما ممکن است یونانی به نظر برسد، ولی کلیسای من این را متوجه می‌شوند. توسط چه؟ شما در مورد رویاها و اینکه چه چیزی واقع شده است، شنیده‌اید. سؤال، یک سؤال کتاب مقدسی است. ما اینجا دعوت شده ایم تا ایمان داشته باشیم که باید یک پاسخ راستین به تمام سر مخفی که از بنای عالم مخفی بوده است، وجود داشته باشد. و کتاب مقدس نبوت می‌کند که در این ایام این اسرار آشکار خواهد شد. مکاشفه باب ۱۰: "در نواختن فرشته‌ی هفتم، پیغام آور لائودیکیه، اسرار خدا آشکار خواهد شد." و این آخرین دوره یعنی لائودیکیه است.

۸۱. به این بیداری بنگرید که ۱۵ سال یا بیشتر در جریان بوده و حتی یک فرقه از آن بیرون نیامده است. لوتر یک بیداری داشت، یک فرقه بوجود آمد. و سلی یک فرقه شد. الکساندر کمپل، به یک فرقه تبدیل شد. تمام این مردان بزرگ... جان اسمیت، مودی و سایرین فرقه شدند، در تمام مدت. ولی در اینجا یکی بوده است. معمولاً یک بیداری حدود ۳ سال دوام می‌آورد. ولی این حدود ۱۵ سال در جریان بوده و حتی یک فرقه هم از آن شکل نگرفته است، چون اکنون زمان دانه است. پوسته وجود ندارد. وقتی پوسته کنار می‌رود، به دانه می‌رسیم.

۸۲. خدا آماده است، اگر اکنون در حال انجام آن نباشد، یک کلیسا را از طریق کلامش، یعنی عیسی مسیح به کمال خواهد خواند. توجه داشته باشید، باید یک جایی یک جوابی وجود داشته باشد. و این، سر هفت مهر خداست، هفت مهر.

۸۳. هفت مهر... چند نفر این را متوجه می‌شوند؟ دستتان را بلند کنید. بگذار ببینم. فکر کنم بیشتر آنها جماعت ما هستند که همه جا نشسته‌اند، اگر این طور نباشد، به زودی کتاب‌هایی در مورد این موضوع پخش خواهد شد. ما در این مورد کتاب‌هایی داریم.

۸۴. در مورد موضوع ما، عیسی ما را دعوت می‌کند تا برای پاسخ کتاب مقدسی، به ابتدا برگردیم.

۸۵. حالا زمانی که او با این سؤال مواجه شد، دو چیز مطرح بود. کاهنین به او گفتند: "آیا به هر دلیلی مرد می‌تواند همسر خود را رها کند و زن دیگری بگیرد؟"

و عیسی گفت: "در آغاز چنین نبود."

سپس آنها گفتند: "موسی به ما اجازه داد تا طلاق‌نامه بنویسیم و او را به هر دلیلی که خواستند کنار بگذارند."

۸۶. او گفت: "موسی این را به دلیل سخت‌دلی شما گفت." من اجازه می‌دهم کمی طولانی شود. "ولی در آغاز این چنین نبود." سؤال...

۸۷. امروز سؤال این است که: "آیا صلح جهانی با سیاست، اتحاد ملی و متحد شدن بدست می‌آید؟" من به شما می‌گویم که خیر. این راه همیشه ناموفق بوده و باز هم خواهد بود. ولی اینجا یک جواب درست برای این سؤال باقی می‌گذارد: "آیا صلح بر روی زمین خواهد بود؟" بله. زمانی که گناه از روی زمین محو شده باشد، صلح خواهد بود. ولی تا آن زمان صلحی نخواهد بود. "امتی بر ضد امتی و مملکتی بر ضد مملکتی."^{۲۴} خدا درمانی برای گناه داده است، ولی انسان زمینی درمان خدا را نخواهد پذیرفت.

۸۸. خدا یک درمان داده و یک طریق که با همسرانمان ازدواج کنیم و با آنها زندگی

^{۲۴} اشاره به انجیل متی ۷:۲۴

کنیم. ولی انسان درمان خدا را نخواهد پذیرفت، کلام او را درباره‌ی آن نخواهد پذیرفت. عیسی این را گفته است. و این ما را به یاد کلام او می‌اندازد، دانستن اینکه او گفت: "آسمان و زمین زائل خواهد شد، ولی کلام من نه."

۸۹. سؤال، راه حل راستینی که عیسی از ما می‌خواهد به آن برگردیم، این است که به ابتدا برگردیم. پس این در پیدایش خواهد بود، چون بخش پیدایش بذر تمام سؤالات کتاب مقدس است. شما باید همیشه به دانه و بذر برگردید و ببینید چه دانه‌ای در زمین است تا متوجه شوید که محصول شما چه خواهد بود. حال، چه دانه‌ای کاشته شده است؟ بعنوان بذر کتاب مقدس، به پیدایش برمی‌گردیم. عیسی ما را به این باب ارجاع می‌دهد، «در ابتدا». اکنون به یاد داشته باشید، این هنگامی است که، زمان آغاز شده است. قبل از آن، ابدیت بود. حال سؤال ما این بود، توجه کنید. ای کاش به ابتدا برگردیم.

۹۰. حالا، این را از دست ندهید. به همین دلیل است که می‌خواهم کمی آهسته‌تر صحبت کنم تا برای کسانی که از طریق ارتباط تلفنی یا از طریق نوار صدای ما را می‌شنوند، به وضوح گفته شود.

۹۱. اگر عیسی می‌گوید: "به ابتدا بازگردید." آنجا فقط یک جفت از هر چیز روی زمین وجود داشت. یک آدم بود و یک حوا. آنها توسط خدا پیوسته بودند. یک اسب ماده، یک نر، یک طوطی ماده، یک نر. «در ابتدا»، او به ما گفت که به آن بازگردیم که از هر چیزی فقط یک جفت وجود داشت. درست است؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] بعد، متوجه می‌شویم که همه چیز داشت در یک نظم کامل و هماهنگی با خدا عمل می‌کرد، هیچ چیزی خارج از نظم نبود.

۹۲. همه چیز در آسمان هنوز در همان نظم است؛ تمام ستارگان، کهکشان‌ها، منظومه

شمسی، همه چیز به بهترین شکل در نظم است. جابجایی هر کدام از آنها باعث تداخل در تمام برنامه می‌شود.

۹۳. حالا، گوش کنید. متوجه می‌شوید؟ یک تداخل، تمام برنامه را مختل می‌سازد. حال، زمانی که بشر داشت در تداوم با خدا عمل می‌کرد، یک مرد و یک زن، زن گناه کرد و تمام برنامه‌ی زمینی را از تداوم با خدا خارج ساخت. بنابراین، افزودن یک کلام به این کتاب، یا حذف کردن از آن، یک مسیحی را از تداوم با خدا خارج می‌کند. کلیسا را از تداوم با خدا خارج می‌کند. یک خانواده را از تداوم با خدا خارج می‌کند. هر ایمان‌داری با نپذیرفتن تمام کلام خدا، می‌تواند بیرون انداخته شود.

۹۴. پس، این زن بود که باعث جدایی از خانه‌ی دوست داشتی شد. یک کروی نبود که باعث عذاب زمین شد. این آدم نبود که خانه را بیرون انداخت. چیز دیگری نبود که خانه را بیرون انداخت و همه چیز را از تداوم خارج کرد، جز یک زن، یعنی حوا. و این، همان «ابتدا» است که عیسی از آن صحبت می‌کند، که مختل شده بود. عیسی گفت: "در ابتدا خدا یک نر و یک ماده از هر گونه‌ای ساخت." و حالا، زمانی که این زن، نه یک ماده اسب، نه یک ماده سگ، بلکه زن، او تداوم عمل خدا روی زمین را مختل کرد و همه چیز را به موت انداخت. زن، نه مرد. او عهد را شکست. زن عهد را شکست. چرا؟ او از محدوده‌ی کلام خارج شد. حالا، اگر او عهد خود با شوهرش را بشکند، عهد خود با خدا را شکسته است. بنابراین، چون عهد خود با خدا را شکست، عهد با شوهرش را شکست.

۹۵. وقتی شما عهد و وعده‌ی خود با کلام خدا را بشکنید، این چیزی است که مسبب خیلی از اعضای نامشروع کلیسا شده است، چون یک گروه از انسان‌ها جمع شدند و گفتند: "خوب، مفهومش این نبود." و این تمام تشکیلات را از تداوم با کلام خدا خارج می‌کند. "اوه! ما این را باور نمی‌کنیم. دکتر جونز گفته که این‌طوری نبوده." اما مادامی که خدا گفته، چنین است. او گفت: "هر سخن انسان دروغ و هر کلام خدا

راست باشد." این تداوم را از بین می‌برد.

۹۶. حالا ما می‌بینیم، با توجه به اینکه تداوم از بین رفته است، پس خط حیات و خط زمان مختل شده بود، عهد شکسته شده بود، همه چیز مختل شده بود. مسبب آن چه چیزی بود؟ یک زن. این چیزی است که عهد را شکست. اگر می‌خواهید این را بخوانید، این را در پیدایش باب ۳ می‌بینید.

۹۷. آن وقت، این مرد بود که باید بر زن تسلط می‌یافت، توسط کلام خدا، چون دیگر زن با مرد برابر نبود. زن در ذات با او برابر بود، اما می‌دانید، ولی وقتی کلام خدا را شکست، خدا مرد را بر او مسلط ساخت. پیدایش ۳:۱۶، اگر می‌خواهید یادداشت کنید. زن دیگر با مرد برابر نبود، او شکننده‌ی کلام خدا بود.

۹۸. آیا زن، یعنی کلیسا را آنجا نمی‌بینید؟ شکننده‌ی کلام خدا که او را کاملاً از تداوم خارج کرد. این کاری است که کلیسا انجام داده و موت روحانی را بر تمام آن وارد کرده است. اکنون شما متوجه خواهید شد که چرا من به این شکل بر این چیزها تأکید می‌کنم. این حقیقت است. این اصول کتاب مقدسی است.

۹۹. توجه کنید، چرا او چنین کاری کرد؟ آن زن کامل، زیبا و دوست‌داشتنی چطور این را انجام داد؟

۱۰۰. یک بار تصویری دیدم، به گمانم در یونان بود، از یک هنرمند که حوا را نقاشی کرده بود. او وحشتناک‌ترین کسی بود که تا حالا دیده‌ام. این چیزی است که ذهن جسمانی می‌تواند به آن بنگرد. اما این گونه نبود، او زیبا بود، چون یک زن کامل بود.

۱۰۱. توجه کنید، چرا با بودن در آن رتبه‌ی بالا، مرتکب چنین کاری شد؟ او درست در کنار مرد و با او برابر بود. ولی اکنون ما می‌دانیم که وقتی گناه کرد، برابر بودنش با

مرد را از دست داد. و خدا گفت: "از این پس مرد بر تو حکمرانی خواهد کرد." حال، این کتاب مقدس است. اگر بخواهید می‌توانیم آن را بخوانیم.

۱۰۲. مرجع آیه را به شما می‌دهم که بخاطر ارتباطات تلفنی در سرتاسر کشور در زمان صرفه جویی کنیم، تا شما بتوانید خودتان این را بخوانید.

۱۰۳. حالا به دلایلی که او این کار را کرد، گوش کنید... چطور شیطان توانست به او نزدیک شود؟

۱۰۴. آیا می‌دانستید که شیطان زمانی با خدا برابر بود؟ قطعاً بود، ولی یک مخلوق بود. او هر چیزی بود، غیر از خالق. او همه چیز بود. او در آسمان در دست راست خدا می‌ایستاد، کروی بزرگ و رهبر.

۱۰۵. توجه داشته باشید، دلیلی که باعث شد این کار را بکند، این بود که او در خلقت اصلی نبود. آن زن خلقت اصلی خداوند نیست. او یک محصول جانبی است. بنابراین، در ابتدا، همان‌طور که عیسی به آن اشاره کرد، او یک موجود خلق شده‌ی اصلی خدا نبود. او محصول جانبی آدم بود، زمانی که عیسی به «در ابتدا» اشاره می‌کند.

۱۰۶. به یاد داشته باشید که در خلقت اصلی، در آدم هم نرینگی بود و هم مادگی، یک ولی بعد از استخوان پهلویش جدا شد.

۱۰۷. توجه کنید و دقت داشته باشید، تنها مخلوق خدا، از میان تمام حیوانات و چیزهای دیگر، او تنها کسی بود که این‌گونه طراحی شده بود. همه‌ی ماده‌های دیگر در خلقت اصلی بودند. تمام ماده‌های دیگر در خلقت اصلی بودند، ولی حوا اصل نبود. می‌بینید؟ باید این‌گونه ساخته می‌شد. کمی بعد به آن خواهیم پرداخت. توجه کنید، در خلقتی که او در آن بود، نه در خلقت اصلی، بلکه یک محصول جانبی، در این خلقت...

۱۰۸. نمی‌خواهم شما را آزرده خاطر سازم، بلکه می‌خواهم حقیقت را به شما بگویم. آرام و ساکن بنشینید، تاکنون خوب بوده‌اید.

۱۰۹. هیچ چیزی طراحی نشده که این قدر فریبنده باشد، به اندازه‌ای که زن فریبنده است. هیچ چیز دیگری نمی‌تواند باشد، هیچ چیز دیگری این گونه ساخته نشده است.

۱۱۰. و همچنین، هیچ چیزی هم نیست که مانند یک زن به سادگی فریب بخورد. حال، سقوط، درست بودن این مطلب را اثبات می‌کند، یعنی سقوط در ابتدا.

۱۱۱. او در خلقت اصلی اولیه جایی نداشت. او در آدم بود. ولی نه بصورت مستقل در جنس مؤنث. او یک محصول جانبی ساخته شده بود.

۱۱۲. حالا، هیچ چیزی نیست که این گونه طراحی شده باشد و بتواند به سادگی یک زن فریب بدهد و یا فریب بخورد. هیچ چیزی نیست که بتواند مانند یک زن از نظر اخلاقی تنزل کند. در تمام خلقت هیچ چیزی نیست که بتواند مانند یک زن از نظر اخلاقی تنزل پیدا کند. او می‌تواند ساده‌تر از هر چیز دیگری در دنیا قلب یک مرد را تکه‌تکه کند، همسر مرد. بگذار آن همسر خوب با یک مرد دیگر بیرون برود، به آن مرد نگاه کن که با بچه‌هایش آنجا نشسته و اشک از چشمانش جاری است. زن این گونه طراحی شده، برای انجام این کار طراحی شده، هیچ گراز و هیچ حیوان دیگری نیست که بتواند مانند یک زن از نظر اخلاقی پست بشود. این حقیقت است.

با احترام به خواهرانم، فقط می‌خواهم که مراقب باشید.

۱۱۳. هیچ حیوانی نمی‌تواند این اندازه فاسد باشد. شما سگ را هرزه می‌خوانید ماده سگ را. شما خوک نر را کثیف می‌نامید. ولی اخلاقیات او هزاران مایل فراتر از خیلی از ستاره‌های هالیوود است. او طراحی شده که تا این اندازه پست شود.

۱۱۴. می‌گویید: "مرد! یک دقیقه صبر کن." به آن خواهیم پرداخت. زن باید بگوید «بله».

۱۱۵. توجه کنید، هیچ چیزی طراحی نشده که تا این اندازه تنزل پیدا کند و فاسد باشد، مگر یک زن. یک سگ نمی‌تواند این کار را بکند، یک گراز نمی‌تواند این کار را بکند. هیچ حیوانی نه از نظر اخلاقی فاسد است و نه می‌تواند این‌گونه باشد، چون این‌گونه طراحی نشده است، پس نمی‌تواند باشد. یک گراز ماده نمی‌تواند از نظر اخلاقی فاسد باشد، یک سگ ماده هم نمی‌تواند، یک پرنده‌ی ماده هم نمی‌تواند. زن تنها موجودی است که می‌تواند.

۱۱۶. اکنون جایی را که شیطان رفت، می‌بینید؟ متوجه هستید؟ ولی همچنان زن کسی است که قدرت دارد بگوید «بله» یا «خیر». بستگی دارد که بخواهد خودش را کجا حفظ کند. می‌بینید؟ حالا ما به وضوح ذریت مار را می‌بینیم. جایی را که وارد می‌شود. فقط یک جا وجود داشت که او می‌توانست وارد شود. اگر این مشخص نمی‌کند، پس یک نفر کور است. می‌بینید، می‌بینید؟ او باید وارد آن می‌شد.

۱۱۷. توجه کنید، دلیلی که حیوان‌ها نمی‌توانند این کار را بکنند، این است که آنها در خلقت اصلی جا داشتند. ولی زن در خلقت اصلی جایی نداشت. حالا ما به عقب برمی‌گردیم تا موضوع را کنکاش کنیم و سپس آن را اینجا به این روزهای مدرن در این عهد بیاوریم.

۱۱۸. زن فقط و فقط برای یک زندگی ناپاک و کثیف طراحی شده است. یک سگ نمی‌تواند، هیچ حیوان ماده‌ی دیگری هم نمی‌تواند. فقط زن است که می‌تواند. یک سگ و بقیه‌ی حیوان‌ها، یک بار در سال فقط برای بچه‌دار شدن، نه برای لذت جنسی، فقط برای بچه‌دار شدن. یک خوک ماده، یک سگ پیر هرزه، یک بار در سال و یک

لحظه، برای بچه‌دار شدن، ولی زن برای هر وقت که تمایل داشته باشد، طراحی شده. حال، من برخی مطالب را حذف کردم، فقط تصور مابقی مطالب را بکنید. یک سنگ نمی‌تواند، یک زن می‌تواند. امیدوارم روح‌القدس سایر مطالبی را که من حذف کردم، برایتان مکشوف سازد.

۱۱۹. زن تنها گونه است، تنها گونه‌ی ماده که از نر زیباتر است. در میان هیچ موجود دیگری چنین چیزی وجود ندارد. در تمام خلقت‌های دیگر خداوند، نرها زیباترند. مانند حیوان‌ها، پرنده‌ها و غیره. همیشه نرها زیبا هستند.

۱۲۰. به آهوی نر بزرگ نگاه کنید. شاخ‌های بزرگ زیبا، یک گونه‌ی عالی، به آهوی ماده‌ی فروتن هم نگاه کنید. به یک خروس بزرگ با تمام پره‌های قشنگش و به یک مرغ کوچک قهوه‌ای نگاه کنید. به پرنده‌ها نگاه کنید. به خروس و مرغ. چرا؟ چرا تمام خلقت خدا این گونه است؟ در هر مخلوقی، نر زیباترین است. در بین گوسفندها، بین خوک‌ها، بین اسب‌ها، بین هر چیز دیگر. همیشه موجود نر است که زیباست.

۱۲۱. ولی در نژاد انسان، این زن است که زیبا است، نه مرد. اگر باشد، یک جای کار ایراد دارد، یک جایی یک تخم پیوندی وجود دارد. در اصل این گونه است. چرا این گونه شده است؟ تا از این طریق بتواند فریب بدهد. شیطان، طراح او، هنوز دارد در این ایام آخر روی او کار می‌کند.

۱۲۲. اجازه دهید برای چند لحظه همین جا صبر کنم. «زیبا! آیا می‌دانستید که نخستین نابودی دنیا، از نظر بین‌المللی، یا جهانی، بخاطر یک زن زیبا بود؟» پسران خدا دختران آدمیان را دیدند که نیکو نظرند و از هر کدام که خواستند، زنان برای خویشان می‌گرفتند. "درست است؟"^{۲۰}

۱۲۳. تا حالا به این نکته که زیبایی زنان در این روزها زیادتز شده، توجه کرده‌اید؟ من تصویر پرل اُبرایان^{۲۶} را دیده‌ام. شخصی که زمانی زیباترین دختر کشور شده بود. وقتی بحث زیبایی باشد، هیچ دختر نوجوانی در این مدرسه نیست که از او زیباتر نباشد.

۱۲۴. افزایش زیبایی زنان، زمان فریب را نشان می‌دهد. چه زمانی کلیسا زیباتر از امروز به نظر می‌رسیده است؟ همه چیز بیانگر عظمت و عالی بودن است. ساختمان‌های بزرگ زیبا و میلیون‌ها این و میلیون‌ها آن. نمی‌بینید؟ او، زن، فریب.

۱۲۵. چیزی نیست که بتواند مانند او تنزل پیدا کند. او این‌گونه طراحی شده تا بتواند فریب بدهد. و امروز در این ایام آخر، شیطان دارد واقعاً روی او کار می‌کند، چون اوست که طراح زن است. حالا می‌توانم این را ثابت کنم. در بازگشت به ابتدا، چه کسی کار روی او را شروع کرد؟ آدم یا شیطان؟ خدا یا شیطان؟ می‌بینید؟ این طراح او بود. این حربه‌ی اصلی اوست که مرد را به پلیدی خود بکشاند. بعنوان یک زن زیبا می‌تواند مرد را به هر طرفی که بخواهد، متمایل کند. برادر! این مغازه‌ی مشروب فروشی نیست که مرد را گیر می‌اندازد، زن زیبایی است که نیمه‌عریان در خیابان راه می‌رود. این چیزی است که... این همین جاست. این فریبکار است. و زن با آن مرگبار است، صددرصد مرگبار. شاید من را بخاطر اینکه شیطان طراح اوست، زیر سؤال ببرید، ولی این حقیقت است. شیطان او را طراحی کرد و هنوز هم این کار را می‌کند.

۱۲۶. بگذارید یک چیزی را در کلام نشانتان بدهم. باید شما را برگردانم به کلام، و امروز وقتی به آن می‌نگرید، نتیجه‌گیری خودتان را داشته باشید.

۱۲۷. شیطان کسی است که این نوع زیبایی را به نمایش می‌گذارد. اگر توجه کرده باشیم، او زیباترین فرشته در میان تمام فرشتگان آسمان بود. درست است؟ و دوست

داشت آسمان را یک جایی زیباتر از سلطنت میکائیل بسازد. درست است. همچنین برای اینکه نشان دهیم قائن فرزند اوست، او یک پرستش زیباتر را تقدیم کرد، مذبح خود را با گل‌ها و میوه‌ها آراست. درست است؟ زیبا! گناه زیباست، یعنی چیزی که ما امروزه زیبایی می‌نامیم. و گناه بوسیله‌ی زیبایی فریب می‌دهد. شما هرگز با نگاه به زنی که در خیابان راه می‌رود، نمی‌گویید که در دلش چیست. می‌بینید؟ ولی می‌خواستم این چیزها را به شما بگویم تا بتوانید ببینید که چرا شیطان طراح اوست. این کاملاً درست است. قائن، فرزند خود او این را اثبات کرد. حال، زن آن‌قدر زیباست که می‌تواند فریب بدهد.

۱۲۸. دنیا زیباست، بنابراین می‌تواند فریب بدهد. منظور من کاسموس است، نظم جهان. این زیباست تا بتواند فریب دهد. اماکن بزرگ، زیبا و تجملی.

۱۲۹. عاموس نبی را به یاد داشته باشید، وقتی که آمد، به شهر نظر کرد و آن را مانند هالیوود مدرن دید، چشمان او زیر موهای خاکستری که از صورتش آویزان بود، تنگ شده بود. او با یک پیغام به آنجا حرکت کرد و آن را در آن مکان فریاد کرد. گفت: "همان خدایی که مدعی پرستش او هستید، شما را نابود خواهد کرد." درست است.

۱۳۰. گناه زیباست. آنها یهودا را شبیه پیرمردی مست، احمق، در یکی از خیابان‌ها با دهانی باز که مگس‌هایی در آن است و غیره تجسم می‌کنند. در صورتی که یهودا مردی خوش قیافه، قوی و فریبنده بود. این آن فردی نیست که باید مراقبش باشی، این فرد یک کشاورز با لباس کشاورزی نیست که باید در اطراف همسرت مراقبش باشی، بلکه آن فرد خوش قیافه و مرتب. اوست که حقه باز است.

۱۳۱. گناه در دید دنیا زیباست. اما خدا در چنین زیبایی نمایانده نمی‌شود. این را می‌دانستید؟ خدا در شخصیت نمایان می‌شود. در شخصیتی زیبا.

۱۳۲. در کتاب مقدس... اشعیا باب ۵۳، اگر می‌خواهید آن را یادداشت کنید. آیات متعددی در مورد آن مکتوب شده است. اشعیا باب ۵۳، کتاب مقدس در مورد خداوندمان عیسی می‌گوید: "منظری ندارد که مشتاق او باشیم و مثل کسی که روی‌ها را از او پوشانیم." درست است؟ ما مشتاق او نبودیم، چون زیبا نبود. شاید او شخصی ریز اندام با شانه‌های خمیده، سرخ روی و بعنوان یک رهبر، خوشایند نبود. او شبیه یک رهبر نبود، به زبان محاوره‌ی معمول صحبت می‌کرد، همانند مردم، مثل مردم عادی. پس به نظر نمی‌رسید که یک دانشمند بزرگ و تحصیل کرده و ملبس باشد، او فقط یک انسان عادی بود. "منظری نداشت که مشتاق او باشیم." او وارد و خارج شد و آنها نمی‌دانستند او کیست. او مانند خدایی که در حال همراهی آنها باشد، نبود. چیزی که ما بعنوان خدا در نظر داریم. اما همان، او بود.

۱۳۳. به زمانی که خدا به سموئیل گفت: "به خانه‌ی یسی برو و یکی از پسرهای او را بجای شائول به پادشاهی مسح کن." ^{۲۷} توجه کرده‌اید؟

۱۳۴. قوم، شائول را انتخاب کردند، درحالی که سموئیل به آنها گفت که مطلقاً این کار را نکنند. او گفت: "خدا نمی‌خواهد شما پادشاهی داشته باشید، او پادشاه شما است." و گفت: "آیا تاکنون چیزی را به نام خداوند به شما گفته‌ام جز اینکه واقع شده باشد؟ آیا تاکنون پول یا چیز دیگری را برای زندگی خودم از شما طلب کرده‌ام؟"

۱۳۵. آنها گفتند: "نه، هرگز از ما پولی طلب نکرده‌ای و هر چه در نام خداوند گفته‌ای، اتفاق افتاده است. اما به هر حال ما یک پادشاه می‌خواهیم." پس آنها شائول را انتخاب کردند. ببینید دنیا چه انتخاب کرده است. ببینید انتخاب اسرائیل چیست، اسرائیل، مسح شده‌ی خدا. آنها مردی را انتخاب کردند که یک سر و گردن از همه بلندتر بود. یک

^{۲۷} اشاره به اول سموئیل باب ۱۶

فرد بزرگ، عالی و خوش سیما و او همیشه مانند مگسی در ظرف پماد بود.^{۲۸}

۱۳۶. ولی خدا گفت: "برای شما پادشاهی به انتخاب خودم برمی‌گزینم." پس او گفت: "سموئیل! به تو نمی‌گویم که او کیست، اما به آنجا برو. او یکی از پسران یسی است."

۱۳۷. و یسی، همسرش و همه‌ی آنها به اطراف نگاه کردند و گفتند: "بله، فرزند ارشدمان، او مردی قدلند و خوش‌چهره است و برای تاج پادشاهی مناسب به نظر می‌رسد، او باهوش و تحصیل‌کرده است. او مرد خوبی است. می‌دانم که او مناسب خواهد بود و به درستی صحبت می‌کند."

۱۳۸. زمانی که آنها او را بیرون آوردند. سموئیل ظرف روغن را آورده و به سمت او رفت. او گفت: "نه. خداوند او را رد کرده است." پس به سراغ تمام شش پسر رفت و خدا تک‌تک آنها را رد کرد. او گفت: "آیا پسر دیگری هم هست؟"

۱۳۹. "آه!" او گفت: "بله، یکی دیگر هست که دارد گوسفندان را می‌چراند. او فقط آنجا می‌نشیند، سرود می‌نوازد، آنها را می‌خواند و فریاد می‌زند. ولی او یک آدم با شانه‌های خمیده و چهره‌ای گلگون است و هرگز پادشاه نمی‌شود."

۱۴۰. گفت: "بروید و او را بیاورید." و زمانی که داود در دید سموئیل قرار گرفت، نبی به سمت او دوید، روغن را بر سر او ریخت و گفت: "این است برگزیده‌ی خدا." نه زیبایی، بلکه شخصیت. خدا به شخصیت نگاه می‌کند.

۱۴۱. انسان به زیبایی جسمانی نگاه می‌کند، این فریبنده است. و به همین دلیل است که به زن زیبایی داده شد، برای فریب خوردن و برای فریب دادن. یک زن زیبا، اگر به

^{۲۸} Fly in the ointment - یک مثال قدیمی در انگلیسی. اشاره به یک نقص و کمبود بزرگ که با وجود خوبی‌های دیگر، این نقص آن‌قدر بزرگ است که باعث می‌شود کل کار خراب شود. چرا که مثلاً اگر مگسی در ظرف دارو بیفتد کل آلوده شده و دیگر قابل استفاده نیست.

درستی از زیبایی خود استفاده نکند، این برایش لعنت است. این او را سریع‌تر از هر چیز دیگری که می‌شناسم به جهنم می‌فرستند. ای کاش او فقط، ای کاش... بتواند زیبا باشد. تا زمانی که با شوهرش باشد و چیزی را که درست است، انجام بدهد، این... این خوب و پسندیده است. ولی می‌تواند همان زیبایی را بگیرد و توسط آن فریب بدهد. چون به او داده شده است که این کار را بکند.

۱۴۲. حالا توجه کنید، ولی خدا در شخصیت نمایان می‌شود. "در عیسی منظری نبود که مشتاق آن باشیم." اما هرگز شخصیتی مانند او در روی زمین نبوده است.

۱۴۳. و حال متوجه می‌شویم که امروز، شیطان و گروهش، دنبال کلیساهای بزرگ، زیبا و چیزهای زیبا هستند. این چیزی است که امروز جهان به آن نگاه می‌کند. "اوه، این شبان بزرگ است، چنین و چنان بزرگ، با چنان کهنات و خدایی‌ای و ردای بلندش این‌گونه گام برمی‌دارد." آنها این را زیبایی می‌خوانند.

۱۴۴. ولی مقدس حقیقی خدا به دنبال شخصیت کلام اثبات شده است.

۱۴۵. این کاری است که مقدسین در آن روزها که مسیح را دیدند، انجام دادند. او چیزی نداشت که به آن نظر کنند، ولی دیدند که خدا در او بود. دیدند که خدا با او بود.

۱۴۶. این طریقی است که یوآب و کسانی که با داود بودند، یک فرد پیر، آنها کسی را که در او بود دیدند. آنها دیدند که خدا در او بود و می‌دانستند که او روزی قدرت را بدست می‌آورد. آنها... یکی ۵ برادر دیگر جلیات را به تنهایی کشت، یکی ۳۰۰ نفر را کشت. وقتی که یک زن داشت، برای شام لوییا جمع‌آوری می‌کرد و لشکر متفرق شده بود، او نیزه را برداشت و ۳۰۰ نفر را کشت، ۳۰۰ فلسطینی. شخصیت. چرا؟ آنها با داود باقی ماندند. آنها می‌دانستند که مسح بر او بود و می‌دانستند او قدرت را بدست خواهد آورد.

۱۴۷. یک تصویر ناب از کلیسای امروز که با کلام می‌ماند. می‌دانیم که این اثبات خواهد شد. می‌دانیم که یک روز به قوت می‌آید. و هر چند که شائول... او از دست سایر امت‌ها فراری بود، ولی آنها می‌دانستند که او به قدرت خواهد رسید. ما می‌دانیم که او (مسیح) نیز با قوت می‌آید، پس آن کلام را می‌گیریم و همان‌جا می‌مانیم، مهم نیست به چه بهایی باشد. اگر باید از فلسطین عبور کنیم، در یک چاه بمیریم، یا یک شیر را بکشیم، همان‌طور که یکی انجام داد، ما در هر حال خواهیم رفت، چون این... این طریقی است که خدا طراحی کرده است. ما دنبال شخصیت هستیم.

۱۴۸. ممکن است شما از من بپرسید: "چرا خدا اجازه داد که زن این‌گونه طراحی شود؟" نمی‌خواهم خیلی وقت بگیرم، چون مطالب زیادی دارم که بگویم. ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا خدا زن را این‌گونه ساخت؟ چرا اجازه داد که این‌گونه باشد؟ این به سبب رضامندی خودش بود.

۱۴۹. حالا، اگر می‌خواهید یک لحظه به کتاب مقدس تان رجوع کنید. اجازه بدهید به رومیان باب ۹ رجوع کنیم و به شما نشان بدهم که چطور خدا این کارها را انجام می‌دهد، اگر بخواهید بخوانید. و اینجا می‌توانیم چیزی را ببینیم که خدا برای رضامندی خود انجام می‌دهد. رومیان باب ۹ از آیه ۱۴:

"^{۱۴} پس چه گوئیم؟ آیا نزد خدا بی‌انصافی است؟ حاشا!"

۱۵۰. وقتی او عیسو را برگزید، یعنی زمانی که یعقوب را برگزید و عیسو را رد کرد، قبل از اینکه هر کدام حق انتخاب داشته باشند، خودش، هیچ یک از آنها، قبل از اینکه بدینا بیایند، هنوز در رحم مادر بودند، خدا گفت: "عیسو را دشمن داشتم و یعقوب را دوست داشتم." می‌بینید؟ چرا؟

"^{۱۵} زیرا به موسی می‌گوید: "رحم خواهم فرمود بر هر که رحم کنم و رأفت خواهم

نمود بر هر که رأفت نمایم." ۱۶ لاجرم نه از خواهش کننده و نه از شتابنده است، بلکه از خدای رحم کننده. ۱۷ زیرا کتاب به فرعون می‌گوید: "برای همین تو را برانگیختم تا قوت خود را در تو ظاهر سازم و تا نام من در تمام جهان ندا شود." ۱۸

حالا به اینجا نگاه کنید.

" ۱۸ بنابراین هر که را می‌خواهد، رحم می‌کند و هر که را می‌خواهد، سنگدل می‌سازد. ۱۹ پس مرا می‌گویی: "دیگر چرا ملامت می‌کند؟ زیرا کیست که با اراده‌ی او مقاومت نموده باشد؟" ۲۰ نی، بلکه تو کیستی ای انسان که با خدا معارضه می‌کنی؟ آیا مصنوع به صانع می‌گوید که چرا مرا چنین ساختی؟ ۲۱ یا کوزه‌گر اختیار بر گل ندارد که از یک خمیره ظرفی عزیز و ظرفی ذلیل بسازد؟ ۲۲ و اگر خدا چون اراده نمود که غضب خود را ظاهر سازد و قدرت خویش را بشناساند، ظروف غضب را که برای هلاکت آماده شده بود، به حلم بسیار متحمل گردید. ۲۳ و تا دولت جلال خود را بشناساند، بر ظروف رحمتی که آنها را از قبل برای جلال مستعد نمود."

۱۵۱. حالا در این مورد کمی به بحث پردازیم. خدا آن را انجام داد. او می‌بایست این را به این طریق می‌ساخت. باید آنجا می‌بود. حال گوش بدهید، می‌خواهم برای ۵ دقیقه نظر شما را به چیزی جلب کنم.

۱۵۲. خدا چیست؟ خدا یک ابدی عظیم است. در ابتدا، قبل از ابتدا، او حتی خدا نبود. آیا این را می‌دانستید؟ خدا «موضوع پرستش» است و چیزی نبود که او را بپرستند. او در تنهایی ساکن بود.

۱۵۳. و در او صفات بود. صفت چیست؟ یک فکر. (حال شما چیزی را دریافت می‌کنید که درس امشب را مشخص خواهد کرد. توجه کنید. او صفاتی بود که در او بود. در او «پدر بودن» بود، در او «خدا بودن» بود، «پسر بودن» بود، در او «منجی بودن» بود، در او

«شفا دهنده بودن» بود. و تمام این چیزها فقط دارند صفات او را نمایش می‌دهند. هیچ چیزی خارج از نظم نیست. فکر می‌کنید که خدا آنها را از ابتدا ندید؟ مسلماً دید. هیچ چیزی خارج از نظم نیست. فقط دارد صفات او را به نمایش می‌گذارد.

۱۵۴. حالا، او نمی‌توانست عادل باشد و باعث سقوط انسان بشود. از این جهت باید انسان را در اراده‌ی آزاد خود قرار می‌داد تا تصمیم شخصی خود را بگیرد، با اینکه می‌دانست او سقوط خواهد کرد.

۱۵۵. حالا، او نمی‌تواند نجات‌دهنده باشد، مگر اینکه گم شده‌ای وجود داشته باشد. او نمی‌تواند شفا دهنده باشد، مگر اینکه بیماری وجود داشته باشد. این چیزها باید به این شکل می‌بود. خدا آنها را این‌گونه ساخت تا صفات عظیمش بتواند آشکار شود. اگر این نبود، او هرگز منجی نبود. ولی ما می‌دانیم که بود، حتی قبل از اینکه زمان باشد او یک منجی بود. او منجی بود، پس باید چیزی باشد که فنا شده باشد. چطور قرار است باشد؟

۱۵۶. اگر خدا انسان را می‌گرفت و گم می‌کرد، فقط برای اینکه او را نجات دهد، پس این عدالتی برای قضاوت او نیست. او نمی‌توانست یک انسان را به جهنم بفرستد و عادل باشد. او رئوف، صبور، راستین و صادق است. او داور عظیم است. ببینید. در این صورت او برضد خویش عمل می‌کرد.

۱۵۷. پس او انسان را آنجا گذاشت و او را در حق انتخاب آزاد ساخت، با علم به اینکه او سقوط خواهد کرد. انسان به شباهت خود او بود، پس چطور می‌توانست سقوط کند؟ آیا اکنون روشنی روز را می‌بینید؟ پس، او باید یک محصول جانبی درست می‌کرد، یک چیزی از خلقت اصلی، حال این را متوجه شدید؟ می‌بینید؟ بفرمایید، دیدید؟ این چیزی است که سقوط کرد. او با علم به اینکه سقوط خواهد کرد، این را ساخت. و این برای ذلالت به دست شیطان سپرده شده است. امروز عزت کجا قرار دارد؟ به این فکر

کنید. حال با دقت گوش کنید.

۱۵۸. پس زن این گونه ساخته شده بود، بی شباهت به هیچ ماده‌ی دیگر. چرا زن این گونه ساخته شده بود، ولی هیچ ماده‌ی دیگری نه؟ هیچ ماده و مؤنث دیگری این گونه طراحی نشده بود. امروز هم نیستند. نمی‌توانند، چون آن گونه طراحی نشده است، نمی‌تواند آن را انجام بدهد. پس چرا خدا این مؤنث، یعنی زن را، مانند سایر ماده‌ها درست نکرد تا همان گونه باشد و فقط فرزندان را بزرگ کند؟ آن وقت می‌توانست زندگی کند، همسر خود را داشته باشد و وقتی که زمان بچه‌دار شدنش شد، بچه‌اش را داشته باشد. چرا خدا زن را این گونه ساخت؟

۱۵۹. نمی‌توانم این کلمات را بگویم، ولی شما متوجه هستید که از چه صحبت می‌کنم. نیستید؟ اگر می‌توانید متوجه شوید، بگویید «آمین». [جماعت می‌گویند: "آمین!"]. بله. می‌بینید؟ در اینجا دختران و پسران جوانی نشسته‌اند. می‌بینید؟ ولی می‌دانید، حیوان باید به یک زمان مشخص در سال برسد، سپس جفت‌گیری می‌کند و همین، ولی یک زن، در هر زمانی. چرا خدا او را این گونه ساخت؟

۱۶۰. حالا به برنامه‌ی بزرگی که در اینجا میان ما آشکار کرده است، نگاه کنید. کامل‌تر از این نمی‌توانست بشود. تا آن روز این را نمی‌دانستم.

۱۶۱. چرا در ابتدا او را این گونه، مانند سایر مؤنث‌ها ساخت؟ این برای او غیرقابل قبول بود. او سرچشمه‌ی تمام خلوص است. این دلیلی بود که خدا اجازه داد شیطان به او دست یابد، یعنی کاری که در انحراف انجام داد. چنین مخلوقی که در اصل برای آن طراحی شده بود، زینده‌ی او نبود.

۱۶۲. تمام چیزهایی که او طراحی کرد، در اصالت است، در تداوم است. تمام کارهای اصلی او در تداوم هستند. سگ ماده، سگ نر. می‌بینید؟ گاو ماده، گاو نر. همه چیز در

تداوم است. تمام طبیعت در تداوم است. تخم می‌میرد و وارد خاک می‌شود، درست مانند موت، تدفین و رستاخیز. شیره در درخت پایین می‌رود و از آن خارج می‌شود، این باعث ریزش برگ‌ها می‌شود، سال بعد با رستاخیز برگ‌های تازه بازمی‌گردد. متوجه منظورم می‌شوید؟ همه چیز، حتی طبیعت، از جانب خدا در تداوم است. و اینجا یکی هست که خارج از تداوم اصلی با خدا طراحی شده است. طبیعت چنان طراحی شده که نمی‌تواند گناه بکند. فکر کنید، خلقت اصلی خدا نمی‌توانست گناه بکند.

۱۶۳. اوه، آیا شما در این منظره‌ای که اینجا است، انحراف کلیسا را نمی‌بیند؟ اصل کلام خداست. در خدا هیچ گناهی نیست. متوجه منظورم می‌شوید؟ اینجا مخلوقی را داریم که با یک انحراف بوجود می‌آید. خدا یک کلیسا خواهد داشت. ولی به این چیز منحرفی که به آن رسیده‌اند، نگاه کنید.

۱۶۴. خدا مذکر و مؤنث دارد، ولی این زن، حتی علائم آن هم نشان‌دهنده‌ی این است که چه چیزی در ذهن خدا بوده است. می‌توانیم یک یا دو ساعت را به این موضوع اختصاص دهیم. خدا این مخلوق را ساخت و آن را برگرداند تا شیطان بتواند به آن دست یابد. و او به آن دست یافت. شیطان هنوز هم زن را در اختیار دارد. بهتر است که او مانند مردان به سمت صلیب بگریزد.

۱۶۵. توجه کنید، همه‌ی طبیعت در پیوستگی و تداوم عمل می‌کند. اگر او زن را در خلقت اصلی می‌ساخت، هیچ گناهی وجود نمی‌داشت. چون زن نمی‌توانست این را انجام دهد، نمی‌توانست انجامش بدهد. او انحرافی است از خلقت اصلی.

۱۶۶. تمام گناه انحراف از حقیقت اصلی است. دروغ چیست؟ حقیقت منحرف شده است. زنا چیست؟ انحراف از کار درست. پس یک مخلوق منحرف شده هست، و یک همه چیز که منحرف شده. و این همه چیز این گونه هجی می‌شود گ-ن-ا-ه. این دلیل

عظیم بودن این سؤال است.

۱۶۷. فقط یک تکه، تکه‌ای بریده شده، ساخته شده از مرد، برای فریب مرد. خدا آن را ساخت. همین جا این را اثبات کرده. این چیزی است که او برای آن ساخته شده است.

۱۶۸. زن هرزه، بدترین چیزی است که می‌توان روی زمین به آن فکر کرد. خانم‌های جوان! از این بابت عذر می‌خواهم. او چیزی نیست جز یه سطل زباله‌ی انسانی، یک عرضه کننده‌ی سکس. این تنها چیزی است که او هست. یک زن هرزه، یک زباله‌دان سکسی انسانی است، یک آلودگی. جایی که رجاست، پلیدی و کثیفی توسط او عیان شده است. چرا زن به این شکل ساخته شده است؟ برای فریب دادن. مسبب تمام گناهایی که تا به امروز بر روی زمین بوده، یک زن بوده است.

۱۶۹. تحلیل‌گری از شیکاگو، یک... یک زن این مقاله را نوشته است. طی تحقیقی که نیروی پلیس در ایالات متحده، در شهرهای بزرگ ایالات متحده داشته، ۹۸٪ تمام جرایمی که در آمریکا اتفاق افتاده، یا یک زن پشت آن بوده و یا در آن دخالت داشته است.

۱۷۰. حال، همه‌ی این چیزها را دارم می‌گویم که در انتها یک مطلب را برسانم، تا بتوانید متوجه شوید که مسئله چیست.

۱۷۱. زن ساخته شده برای فریب دادن، درست مانند کاری که در ابتدا با آدم انجام داد. به او گفت که میوه دلپذیر بوده تا او را فریب دهد و از کلام خارج سازد. این طریقی است که کلیسا امروزه انجام می‌دهد، به همین شکل.

ولی بعد از آن، مرد بر او حاکم شد تا بر او تسلط داشته باشد.

۱۷۲. حال امروز این چقدر متفاوت است، این دوران لقاح. بجای اینکه مرد حاکم بر او باشد، او خدای مرد شده و بر او تسلط دارد. زن بر مرد مسلط است. احتمالاً باید متوجه

شوید که به چه چیزی اشاره می‌کنم. توسط زیبایی و کنترل جنسی، از طریق فرم و حالتی که شیطان به او داده، محصول جانبی که شیطان انجام داد، فرستاده شده تا پسران خدا را فریب بدهد. او بیشتر از هر ابزار دیگری که شیطان در اختیار دارد، می‌تواند آنها را به جهنم رهنمون سازد. این کاملاً درست است.

۱۷۳. صحبت از زنان فاسد و هرزه می‌کنم، نه خواهران. تا چند دقیقه‌ی دیگر به جایگاه شما، به جایگاه درست شما در کلام می‌پردازیم. این از ابتدا در نقشه‌ی خدا بود.

۱۷۴. اکنون، برای انجام این، امروز خدای ایالات متحده کیست؟ آیا به یاد دارید که چند سال قبل در خیمه درمورد آن موعظه کردم؟ خدای این دوران مدرن یک زن نیمه‌عریان، با صورتی آرایش کرده و لباسی کوتاه که تا بالای زانوی اوست و چیزهایی مانند این است. گفتم «اینک خدای شما». و این درست است. او در تمام تبلیغات هست، نیمه‌عریان. در خیابان‌ها هم به همان صورت است.

۱۷۵. این ابزار شیطان است، عیسی گفت: "در ابتدا" می‌بینید؟ می‌بینیم که امروز هم به همین شکل است، «در ابتدا» و چیزی که او از آن صحبت می‌کند.

۱۷۶. حال، بت پرستان از او (زن) خدا می‌ساختند. آیا این را می‌دانستید؟ یک الهه. او را الهه می‌ساختند، چون عمل سکس را در پرستش داشتند. آنها مدعی بودند که «او (زن) خالق است، چراکه تخم را در رحم خود حمل کرده و خلق می‌کند.» این یک دروغ است. تنها یک خالق وجود دارد و آن هم خداست. ولی پولس را یادتان هست؟ «دیانای افسس»، یک پیکر سنگی. می‌گفتند: "الهه‌ی آسمان به زمین افکنده شده." نمی‌بینید که پرستش بت چگونه است؟

۱۷۷. ندانستن آن دوباره ما را به بت‌پرستی برمی‌گرداند، به سمت زن، پایین‌ترین و نازل‌ترین مخلوق روی زمین. زن‌پرستی! او مردان را به هر راهی که بخواهد، خواهد

کشید. بدون اینکه بدانند، با تمام زیبایی ظاهری، جهنم را در درون خود دارد. سلیمان گفت: "دروازه‌های او، دروازه‌ی جهنم است."

۱۷۸. حال به وضوح متوجه چیزی می‌شویم که عیسی در مکاشفه باب ۲ آیه ۱۵ درباره‌ی تعلیم نقولایوان، آمدن کلیسای آینده که خود را از کلام جدا می‌سازد، گفت.

۱۷۹. و اینجا می‌توانیم به وضوح، این برنامه‌های مبتدل، بی‌دینی و پلیدی را که از ملکه‌های سکس هالیوود در تلویزیون داریم، ببینیم. می‌توانیم آلودگی و هرزگی این شهر را ببینیم، وقتی که این بچه‌ها، این دختران در خیابان با آن لباس‌های تنگ و کوتاه بالا و پایین می‌روند. در هوایی که آنقدر سرد است که آنها را تا حد مرگ منجمد کند. آنها نمی‌دانند این شریر است که این کار را می‌کند. آنها توسط یک روح مجذوب شده‌اند. شما هرگز نمی‌بینید که یک سنگ ماده این کار را بکند، می‌بینید؟ هیچ موجود ماده‌ی دیگری را هم نمی‌بینید که این کار را بکند. بهتر است هیچ مذکری هم به سمت او نرود.

۱۸۰. حال متوجه تصویر می‌شوید؟ اگر خدا بخواهد تا چند لحظه‌ی دیگر مطلبی را مطرح می‌کنیم.

حال نقولایوی‌ها را می‌بینید، تعالیشان را می‌بینید.

۱۸۱. حال، ملکه‌های نوجوان را می‌بینید، به این رقاصه‌های استریپ‌تیز در خیابان این عنوان را داده‌اند. قبلا برای تماشای یک استریپ‌تیز باید به یک نمایش مبتدل می‌رفتید، حال کافی است که در خیابان چشمانتان را باز کنید، این تنها کاری است که باید انجام بدهید. همه چیز نمایشی از عربیانی است. برای چه این کار را می‌کنند؟ تا تحریک کنند، وسوسه کنند، این تنها چیزی است که بخاطرش می‌تواند این کار را بکند. این کار را می‌کند، چون پلید است. زن این کار را می‌کند، چون آن‌گونه ساخته شده است. متوجه نیست که او ابزاری در دستان شیطان است. و این چیزی است که او هست.

۱۸۲. امروز حتی در مدارسمان، دارند سکس را آموزش می‌دهند. دنیای فاسد ما در پرستش زن! می‌دانم که نمی‌خواهند این را باور کنند. یک روز می‌ایستند و سرود پرستشی و این چیزها را می‌خوانند و تمام شب وقت خود را با زنان سپری می‌کنند. می‌بینید؟ بسیار خوب، درحالی‌که در نظر خدا، در کلام، او نازل‌ترین از تمام حیواناتی است که خدا بر روی زمین قرار داد.

۱۸۳. بخاطر همین است که خدا او را از تعلیم این کلام منع می‌کند. درست است. اول تیموتائوس ۲: ۹-۱۵: "و زن را اجازت نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلط شود." می‌بیند؟ و همچنین اول قرنتیان ۳: ۱۴: "و زنان شما در کلیساها خاموش باشند زیرا که ایشان را حرف زدن جایز نیست، بلکه اطاعت نمودن، چنان‌که تورات نیز می‌گوید." ولی امروز کلیسا چکار می‌کند؟ زن را شبان و مبشر می‌سازند، درحالی‌که کتاب مقدس کاملاً این را منع می‌کند. کتاب مقدس می‌گوید: "چنان‌که تورات نیز می‌گوید." و باعث می‌شود که این در تداوم قرار بگیرد، همه چیز.

۱۸۴. درست همان‌طور که در بره بود، موضوع دیشب، «تنها مکان برگزیده‌ی پرستش»، تحت خون ریخته شده‌ی بره. این امروز تنها مکان است، یعنی در مسیح. تنها طریقی که می‌توانید انجام دهید، این است که نزد او بیایید. این تنها مکان پرستش است. همیشه به این طریق بوده، تنها مکان پرستش تحت خون ریخته شده.

۱۸۵. پس اکنون می‌بینم که تمام تصویر در برابر ما در حال باز شدن است. بخاطر این است که خدا به زن اجازه‌ی تعلیم دادن نمی‌دهد. اجازه نمی‌دهد در کلیسا هیچ کاری بکند، مگر اینکه با صورتی پوشید و در سکوت در کلیسا بنشیند.

۱۸۶. برادر و خواهر! حال که تمام این چیزهایی را که در قلبم است می‌دانید، آیا می‌توانید ببینید دلیل چیزهایی که گفته‌ام و کارهایی که کرده‌ام چه بوده است؟ می‌دانم

که شما خواهان جایگاه خودتان را دارید، (تا چند دقیقه‌ی دیگر) و شخصیتی عالی که خدا می‌تواند شما را شکل بدهد. ولی من دارم تلاش می‌کنم که از طرف دیگر صحبت کنم، تا نشان دهم که شما واقعاً از کجا هستید. «در ابتدا»، عیسی به ما گفت «به ابتدا برگردیم» تا آن را ببایم. این کاری است که داریم انجام می‌دهیم.

۱۸۷. با بیان این مطالب به نکات اساسی بسیاری پرداختم و امیدوارم که متوجه شوید. و شما افرادی که به این نوار گوش خواهید کرد! امیدوارم متوجه شوید. فقط برگردید. این برای این است که نشان دهیم عیسی گفت: "به ابتدا برگردید و متوجه شوید." همه چیز، به ابتدا برگردید و می‌توانید امروز را ببینید.

۱۸۸. شما امروزه می‌توانید ببینید که چرا مردم... آنها می‌گویند من از زن متنفر هستم. این از حقیقت به دور است. این گونه نیستم. می‌گویند «متنفر از زنان». یادتان باشد که پولس را هم «متنفر از زنان» می‌خواندند. یک خادم زن مدتی قبل به من می‌گفت: "اوه، تو مانند پولس هستی. تنها کاری که او می‌کرد، ایراد گرفتن از ما زنان بود."

۱۸۹. یک مقدس خدا که اجازه یافته بود کتاب مقدس را مکتوب سازد، یعنی عهد جدید را. و شما با کلام او مخالف هستید؟ او گفت: "اگر فرشته‌ای از آسمان چیزی جز آنچه من به شما تعلیم دادم، آورد؛ اناثیما باد." ^{۲۹} چه برسد به واعظان زن.

۱۹۰. به ایلیا هم می‌گفتند «متنفر از زنان». او از زن متنفر نبود، یعنی از یک زن حقیقی، او فقط آن ایزابل‌ها را دوست نداشت.

۱۹۱. و اگر چنین باشد، پس خدا هم باید این گونه باشد، چون او کلامی است که بر انبیا نازل شد. پس این باید خدا باشد، به همان صورت، او خلقت اصلی و اولیه را می‌شناسد. در ابتدا. او گفت: «در ابتدا». آنها انبیایی بودند که کلام بر آنها می‌آمد.

^{۲۹} اشاره به غلاطیان ۸:۱

۱۹۲. و خدا زن را برای مرد ساخت نه مرد را برای زن. آیا می‌دانستید که زن برای مرد ساخته شد، نه مرد برای زن؟ چند نفر این را می‌دانند؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] کتاب مقدس این را تعلیم می‌دهد. درست است. به زن پیش از اینکه سقوط کند، جایگاهی در مرد داده شده بود، برابر با او و فوق از تمام خلقت. ولی پس از سقوط... حال اینجا موضوع را مطرح می‌کنیم. «بعد از» سقوط، مرد بر او مسلط بود. بعد از اینکه ابتدای اصلی به اتمام رسید، او باید در تمام موارد خاموش باشد.

۱۹۳. عیسی گفت: "در ابتدا چنین نبود." این هنگامی است که زمان آغاز شد، وقتی که نخست خدا آن را در خلقت اصلی خود ساخت. همه‌ی کسانی که متوجه می‌شوند، بگویند «آمین». [جماعت می‌گویند: "آمین!"] در ابتدا خدا فقط یک مذکر و یک مؤنث را خلق کرد، اما زن متفاوت از سایر حیوانات ساخته شد، برای فریب. حالا ببینید. در ابتدا چنین نبود. او ساخته شده بود و اگر در وضعیت اصلی خود باقی می‌ماند، هرگز سقوطی اتفاق نمی‌افتاد. ولی زن باعث سقوط و اختلالی شد که تمام تداوم با خدا را برهم زد و موت، رنج و هر چیز دیگری را بر زمین وارد ساخت. او چنین ساخته شده بود.

۱۹۴. حال توجه کنید، «بعد از» ابتدا، پس از اینکه زمان شروع شد، آن موقع ابدیت در آن بود، که به انتها رسیده بود. توجه کنید، بعد از اینکه سقوط توسط حوا انجام شد، پس از سقوط، نیاز بود که عهدی جدید بسته شود. حال این شما را لغزش خواهد داد، ولی کلام را به شما خواهم داد تا حقیقت بودن آن را اثبات کند. حال دقت کنید، بعد از سقوط، عیسی گفت... خدا در ابتدا یک گونه را ساخت، ولی بعد از سقوط... حال فراتر از آن می‌رویم. عهد برابر بود، ولی اکنون پس از سقوط، یک عهد دیگر ایجاد شده. حال زن دیگر همراه مرد تسلط نداشت، هر یک عهدی جداگانه دارند.

۱۹۵. اکنون، ببینیم آیا این درست است یا نه. پردازیم به پیدایش باب ۳ و همین‌طور که پیش می‌رویم ببینیم که این درست است یا نه، چون می‌خواهیم مطمئن باشیم که اینها

تعلیم داده شده و کاملاً درست مطرح شده، پس باید همین جا کمی وقت داشته باشیم، چون با انتها خیلی فاصله‌ای نداریم تا به بخش انتهایی پیغام برسیم، تا چرا و چگونگی آن را در مورد موضوع طلاق نشان بدهیم. پیدایش باب ۳ و از آیه‌ی ۱۶ شروع می‌کنیم. از آیه‌ی ۱۴ شروع می‌کنیم.

"۱۴ پس خدا به مار گفت:...." (حالا می‌خواهد او را لعنت کند).

"چونکه این کار را کردی، از جمیع بهایم و از همه‌ی حیوان‌های صحرا ملعون‌تر هستی! بر شکمت راه خواهی رفت و تمام روزهای عمرت خاک خواهی خورد. ۱۵ و عداوت در میان تو و زن، و در میان ذریت تو و ذریت وی می‌گذارم، او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی کوبید." (وعده‌ی «آمدن از طریق زن» ماسیح، برای نجات).

"۱۶ و به زن گفت:...."

۱۹۶. حالا نگاه کنید، این عهد با مار است، که قبلاً همه نیکو بودند، در ابتدا، یا قبل از ابتدا.

"و به زن گفت: "آلم و حمل تو را بسیار افزون گردانم، با الم فرزندان خواهی زایید و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو حکمرانی خواهد کرد." (دیگر اصلاً با هم برابر نیستند).

۱۹۷. اما حال زن برگشته و مسلط شده است.

"۱۷ و به آدم گفت: "چونکه سخن زوجهات را شنیدی و از آن درخت خوردی که امر فرموده، گفتم از آن نخوری، پس بسبب تو زمین ملعون شد و تمام ایام عمرت از آن با رنج خواهی خورد. ۱۸ خار و خس نیز برایت خواهد رویانید و سبزه‌های صحرا را خواهی

خورد،^{۱۹} و به عرق پیشانی‌ات نان خواهی خورد تا حینی که به خاک راجع گردی، که از آن گرفته شدی؛ زیرا که تو خاک هستی و به خاک خواهی برگشت."^{۲۰}

۱۹۸. دو عهد، حال، این «در ابتدا» که عیسی از آن سخن گفت که «در ابتدا چنین نبود» را می‌بندد. اکنون ما یک عهد دیگر داریم. توجه کنید، این یک عهد دیگر است. اکنون یک عهد برای محصول اصلی و یک عهد هم برای محصول جانبی وجود دارد. توجه کنید، سقوط، سختی و موت را برای هر مخلوقی در خلقت آورد و یک تفاوت در طبیعت ایجاد نمود. حال، به چیزی که عیسی درباره‌ی «در ابتدا چنین نبود» گفت توجه کنیم. الآن دیگر «در» ابتدا نیست، بلکه اکنون «بعد از» ابتدا است. اکنون یک عهد دوگانه وجود دارد.

۱۹۹. نخست فقط یک عهد بود و آدم و حوا برابر بودند، یک مرد و یک زن. حال، زن گناه کرد و (چه کاری می‌کند؟) این همه را به موت انداخت. خدا باید بخاطر آن عهدی می‌بست، یک عهد تازه. این همین‌جا در پیدایش ۱۶:۳ است که او یک عهد دیگر بست.

۲۰۰. جهان باید دوباره پر از جمعیت شود، نه توسط خلقت اصلی خدا، مانند «در ابتدا»، بلکه توسط میل جنسی. حال، این تکلیف «در ابتدا» را مشخص می‌کند. نمی‌کند؟ در ابتدا فقط یک زن و یک مرد وجود داشت، یک مذکر و یک مؤنث، ولی زمانی که از آن خط عبور کرد، گناه را وارد ساخت، حال جهان دوباره پر از جمعیت شده، توسط سکس، نه خلقت، بلکه توسط سکس. می‌بینید که زن الآن در کجاست؟ لیکن این طریقی است که اکنون جهان پر از جمعیت شده، از طریق زنان.

۲۰۱. به این دلیل است که عیسی می‌بایست از طریق یک زن می‌آمد، دوباره آن را به ابتدای اصلی بازگرداند، بدون اشتیاق به سکس. او از باکره به دنیا آمد. اما... هلولویاه!

زمانی می‌آید که دیگر سکس وجود نخواهد داشت. بلکه خدا فرزندان خود را از خاک زمین می‌خواند، مانند زمانی که در «اصل» بودند، نه توسط هیچ زنی، بلکه توسط شکل دادن خاک و نور کیهانی و دوباره خلق خواهد کرد، همان‌گونه که در آدم اول انجام داد. عیسی این را ممکن ساخت، با انسان شدن خود خدا و آمدنش به دنیا، تا بتواند بمیرد، توسط این زن. اکنون زمان آزمایش توسط گناه است.

۲۰۲. پس الآن می‌بینید که «بعد از» ابتدا، یک چیز دیگری مطرح شده بود. حالا این شما را شوکه خواهد کرد. خسته هستید؟ [جماعت می‌گویند: "خیر."] فقط کمی بیشتر آرام بنشینید.

۲۰۳. بعد وقتی که عهد دوگانه توسط مرد و زن، از طریق سکس، انجام شد، بطور کلی یک عهد دیگر (نه آن عهد اصلی، بلکه یک عهد دیگر) حال، چه چیزی وارد شده بود؟ چند همسری، در همه. بعد از آن، بعد از ابتدا، چند همسری هم در انسان و هم در حیوانات وارد شد؛ بعد از ابتدا، یعنی سقوط. حال خدا، برای دومین بار، یک طبیعت تازه را توسط سکس مشخص می‌کند. خدا نخستین را بدون سکس خلق کرده بود. به این ایمان دارید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] اکنون یک عهد دیگر با طبیعت است، او یک نظم و روال دیگر را توسط سکس معلوم می‌کند. عهد دوم: یک مذکر و مؤنث‌های متعدد. یک آهوی نر و حَرَمی از آهوهای ماده. درست است؟ یک گاو نر و یک گله‌ی کامل از گاوهای ماده. یک خروس و یک حیاط پر از مرغ. درست است؟ یک داوود، محبوب دل او، با پانصد همسر و صد فرزندی که در یک سال از زنان مختلف برای او مولود شدند، مرد محبوب دل خدا. یک سلیمان با هزار همسر. ولی اکنون دقت کنید، در ابتدا چنین نبود، ولی الآن «بعد از» ابتدا است. زن این کار را کرده است. بعد می‌شود چیزی که الآن هست. می‌بینید؟

۲۰۴. داود، پادشاهی که نمادی از مسیح بود! این را در ذهن داشته باشید. داوود نمایانگر

مسیح بود. به این ایمان دارید؟ [جماعت می گویند: "آمین!"] مسیح بر تخت او خواهد نشست و این داوود، مرد محبوب دل خدا، پانصد همسر داشت. متوجه منظورم می شوید؟ داوود با پانصد همسر خود و سلیمان با هزار همسرش، سلیمان پسر داوود در جسم است، که نمایانگر عیسی مسیح است، پسر داوود از نظر روحانی. ولی آن، یعنی حیات سکس، جسمانی است. این روحانی خواهد بود، خلق شده، چرا؟ خلق شده. می بینید؟ این طریقی است که در ابتدا بود، ولی نه در این حیاتی که الآن در آن زیست می کنیم.

۲۰۵. توجه کنید و این را تماماً در دل هایتان پذیرید، ولی حتی یکی از آن زنان نمی توانستند بیش از یک شوهر داشته باشند. او خلقت اصلی است، نه زن. حتی یکی از آن زنان نمی توانستند بیش از یک شوهر داشته باشند اما آن یک شوهر می توانست هزاران همسر داشته باشد. این «خداوند چنین می گوید» است. این کتاب مقدس است. حال، من وقت گذاشتم، به عقب بازگشتم و به شما نشان دادم که چیزی که عیسی گفت از کجا آغاز شد. آیا اکنون به وضوح آن را می بینید؟ آنها می توانستند به هر تعداد...

۲۰۶. او! شما می گویند: "آن فقط برای اسرائیل بود." آیا این طور است؟

۲۰۷. وقتی ابراهیم همسر خود را به سرزمین فلسطین برد، در آنجا پادشاهی بود به نام ایملک، سارا صد سال سن داشت ولی جوانی به او برگشته و زیبا شده بود. این را می دانید؟ [جماعت می گویند: "آمین!"] بسیار خوب، و ایملک او را بعنوان همسر می خواست. پیغام من را در مورد آن یادتان هست؟ ایملک می خواست که سارا را به همسری بگیرد. شاید یک حرمسرا داشت، ولی اگر او همسر ابراهیم بود، نمی توانست او را به همسری بگیرد. پس ابراهیم به سارا گفت: "بگو که خواهر من هستی، چون او مرا خواهد کشت تا تو را داشته باشد." ^{۳۰} چرا ابراهیم را از کشور بیرون نیندازند و همسرش

^{۳۰} اشاره به پیدایش باب ۱۲

را بگیرند و ادامه بدهند؟ این نه تنها شریعت و قانونی برای ایمانداران بود، بلکه قانونی بود برای تمام خلقت. مقدس یا گناهکار، شما برای این اعمال مسئول هستید. اینجا یک پادشاه بت پرست بود. چند نفر می‌دانند که این داستان درست است؟ ["آمین!"] این کتاب مقدس است. پیدایش، فکر کنم حدود باب ۱۶.

۲۰۸. توجه داشته باشید، ایملک ممکن بود او را به همسری بگیرد. او خود را آماده کرده بود که این دختر عبرانی را داشته باشد. و گفت: "این است..." سارا گفت: "این برادر من است."

ابراهیم گفت: "او خواهر من است."

۲۰۹. پس ایملک گفت: "پس او را به همسری خواهم گرفت." می‌توانید فکر کنید که مردی چنین کاری انجام دهد؟ اما او این کار را کرد.

۲۱۰. و سپس آن شب زمانی که ایملک رفت تا بخوابد، خدا در رویا بر او ظاهر شد و گفت: "ابی ملک اینک تو یک فرد مرده‌ای." می‌دانید، خدا داشت از خون یهود در آنجا محافظت می‌کرد. خدا گفت: "با مرده فرقی نداری. می‌خواهی همسر یک مرد دیگر را به همسری اختیار کنی."

۲۱۱. او گفت: "خداوندا! تو راستی قلب مرا می‌دانی. مگر آن زن به من نگفت که او برادر من است؟ و خود ابراهیم نگفت که او خواهر من است؟"

۲۱۲. خدا گفت: "من نیز می‌دانم که این را به سادگی دل خود کردی و من نیز تو را نگاه داشتم که به من خطا نوری. درست است؟ گفت: "پس الآن زوجی این مرد را رد کن، زیرا که او نبی است و برای تو دعا خواهد کرد که زنده بمانی... نه کاهنت، اگر او برایت دعا نکند، کل کشورت از بین رفته است." آمین! این فیض عظیم است. "تمام

کشور و امت از بین رفته است. او همسر آن مرد است. و او نبی من است." آمین! این «خداوند چنین می گوید» است. این کتاب مقدس است.

۲۱۳. اکنون متوجه می شویم که موت علت داشت، موت به دلیل گناه زن است و از طریق زن آمد، نه مرد. توسط روش زندگی او (زن) و توسط او، تمام موت می آید. طریق حیات بخشیدن او، موت است. چند نفر این را می دانند؟ ایوب ۱۴، اگر می خواهید آیات را یادداشت کنید.

۲۱۴. اگر این را زیر سؤال ببرید، برای هر ذره اش آیات را یادداشت کرده ام.

۲۱۵. اگر می خواهید، ایوب ۱۴ را بخوانید. آنجا می گوید: "انسان که از زن زاییده می شود، قلیل الایام و پر از زحمات است." درست است؟ "مثل گل می روید و بریده می شود." می بینید، هر انسانی که از زن زاییده می شود، به محض تولد در موت زاده شده است.

۲۱۶. ولی وقتی در خلقت خدا مولود می شود، نمی تواند بمیرد. او از آن درخت دیگری است که در باغ عدن بود، یعنی مسیح. حیات ابدی که از درخت می آید.

۲۱۷. می گوید: "اوه! زن یک درخت بود؟" قطعاً.

خوب گفتند: "هر آینه از این درخت مخور." خدا در پیدایش گفت: "هر آینه از این درخت مخور."

۲۱۸. خوب، زن درخت است، او درخت میوه است و شما ثمره‌ی مادران هستید. شما ثمره‌ی رحم هستید. درست است. پس میوه‌ی درخت حیات که در باغ عدن بود، مسیح است. از طریق زن موت می آید. و از طریق مرد، درخت اصلی، حیات می آید. مولود شدن از زن، موت است. مولود شدن از مسیح، حیات است. متوجه می شوید؟ اینجاست. حال متوجه می شوید که الهه به کجا رفت، این طور نیست؟

۲۱۹. آدم و حوای نخست، نمادی از آدم و حوای ثانی بودند. می‌بینید؟ تکثیر. حال، تکثیر و باروری آدم و حوا از طریق سکس بود، تا زمین را پر سازند، ولی در ابتدا چنین نبود. خدا فقط یک مذکر و یک مؤنث را آفرید، همان‌طور که در سایر مخلوقات انجام داده بود. می‌بینید؟ مشروع، درست مانند کلیسا.

۲۲۰. حال اگر می‌خواهید، بیایید با توجه به این حقایق اثبات شده‌ی خدا، کمی بیشتر جستجو کنیم. [جماعت می‌گویند: "آمین!"] اکنون، این ممکن است کمی باعث رنجش بشود، تا زمانی که به عمق آن برسیم، اما هدف من فقط این است که حقیقت را به شما نشان بدهم.

۲۲۱. هیچ خادمی نیست که بتواند با یک زن بیوه ازدواج کند. آیا این را می‌دانستید؟ می‌خواهید این را بخوانید؟ بسیار خوب، این را در لایوان می‌بینید، لایوان ۷:۲۱ و حزقیال ۲۲:۴۴ به شما نشان می‌دهد که کاهن نباید با زنی که مردی او را لمس کرده بوده، ازدواج می‌کرد. این نمادی از عروس باکره‌ی عیسی است، چون آنها با آتش خدا سروکار داشتند، یعنی کاهنین، فرزندان هارون. ما زمان نداریم تمام این را بخوانیم، چون تا ظهر طول می‌کشد و ما بیست دقیقه بیشتر وقت نداریم. آنها پسران هارون بودند که با آتش خدا سروکار داشتند و نمی‌توانستند با زنی ازدواج کنند که توسط یک مرد لمس شده باشد. خدای لاتغیر چنین گفته است. آنها نمی‌توانستند با زن دیگری، زنی که توسط مردی لمس شده باشد، ازدواج کنند. اینجا در نماد نشان داده می‌شود. اگر می‌خواهید ببینید. کلیسای خدای زنده، کلام خداست که خالص و ترکیب نشده است، نه یک فرقه که توسط انسان دست‌کاری شده است.

۲۲۲. اکنون این را در اینجا بخوانیم. می‌خواهم این را خوب متوجه شوید. انجیل متی باب ۵، در اینجا عیسی از چیزی صحبت می‌کند که اهمیتی حیاتی دارد. می‌خواهیم این را ببینیم. انجیل متی باب ۵، من این را روی...

۲۲۳. یک سری از مطالبی را که می‌خواستم فقط در برابر آقایان مطرح کنم، حذف کردم. پس زمان کوتاهی در اختیار داشتم که این را مقابل خواهران نیز بگویم. ولی می‌خواهم قبل از اینکه...

۲۲۴. حال، خواهر! می‌خواهم شما را در جایی که کلام خدا به شما وعده داده، قرار دهم. شما هم متوجه بشوید و در آنجا باقی بمانید.

۲۲۵. انجیل متی ۳۲:۵، می‌خواهم اینجا توجه داشته باشید، برای پشتیبانی از همان ایده‌ی «یک» و «چند». انجیل متی سی و... فکر کنم انجیل متی ۳۲:۵ باشد، از آیه‌ی ۳۱ شروع می‌کنیم.

"^{۳۱} و گفته شده است هر که از زن خود مفارقت جوید، طلاق‌نامه‌ای بدو دهد."

۲۲۶. این عیسی است که دارد صحبت می‌کند، همان کسی که گفت «در ابتدا». حال ببینید.

"^{۳۲} لیکن من به شما می‌گویم، هر کس غیر از علت زنا، زن خود را از خود جدا کند، باعث زنا کردن او می‌باشد..." (چرا؟ چون او دوباره ازدواج خواه کرد.) "و هر کس زن مطلقه را نکاح کند، زنا کرده باشد."

۲۲۷. می‌بینید؟ او یک شوهر زنده دارد، هیچ مردی نمی‌تواند با او ازدواج کند. مهم نیست که کیست و چکار می‌کند، او یک شوهر زنده دارد و به هیچ عنوان دلیلی برای او وجود ندارد. ولی این مربوط به مرد نیست. «باعث زناى زن می‌شود» نه مرد. متوجه می‌شوید؟ باید عمل کلام را در تداوم ببینید. می‌بینید؟ هیچ چیزی نمی‌گوید که مرد نمی‌تواند، اما زن نمی‌تواند. می‌بینید، «باعث زناى زن می‌شود» نه مرد. این دقیقاً چیزی است که کتاب مقدس می‌گوید، «باعث زناى زن می‌شود»، این برضد ازدواج مجدد گفته نشده است، «بلکه زن». چرا؟ مسیح در یک نماد.

۲۲۸. توجه کنید، اعلام شده است که مرد نمی تواند ازدواج مجدد داشته باشد، مگر فقط با یک باکره. مرد می تواند دوباره ازدواج کند. اگر یک باکره باشد، مرد می تواند دوباره ازدواج کند، ولی نمی تواند با همسر مرد دیگری ازدواج کند، به هیچ عنوان. و اگر مرد با یک زن مطلقه ازدواج کند، دارد در زنا زندگی می کند. اهمیتی نمی دهم که چه کسی باشد. کتاب مقدس می گوید: "هر که زن مطلقه را نکاح کند، زنا کرده باشد." بفرمایید، نه با یک مطلقه.

۲۲۹. اکنون آن اصلی، یعنی «در ابتدا» را در آنجا می بینید؟ ازدواج مجدد. حالا دقت کنید. مرد می تواند، ولی زن نمی تواند، مثل داود، مثل سلیمان، مثل تداوم در کتاب مقدس، مثل داود و سایر آنها.

۲۳۰. توجه کنید که در اول قرن ۱۰:۷ پولس حکم می کند زنی که از شوهرش جدا شده، باید با شوهر خود صلح کند، نه اینکه ازدواج مجدد کند، و یا باید مجرد باقی بماند. ولی توجه کنید، مرد، او این را هرگز در مورد مرد نگفت. می بینید؟ نمی توانید باعث دروغ گفتن کلام بشوید. «در ابتدا» سکس توسط چند همسری. حال، کلام خدا در راستی و هماهنگی با ذات خداست و در تداوم قرار دارد.

۲۳۱. می بینید که چطور در این مورد یک دیدگاه به شرق و دیگری به غرب رفت؟ باید به حقیقت برگردید تا متوجه شوید که این چیست.

۲۳۲. همیشه به این صورت بوده است، این عهد معمول خدا از ابتداست. نخست، قبل از ابتدا، از ابتدا فقط یک و یک بود. بعد از اینکه گناه وارد شد، آن وقت یک مرد بود و زن های متعدد. در طبیعت این گونه است، در هر حیوانی، بشر و هر جسم طبیعی یک حیوان است. ما پستاندار هستیم، این را می دانیم، همه ی ما. و این طبیعت خدا در تداوم است.

۲۳۳. اما اکنون مهرها گشوده شده‌اند، روح و راستی، ما را به کلام هدایت می‌کند. این نشان می‌دهد که چرا تمام این اشتباه‌ها در طول ادوار وجود داشته است، چون مهرها باز نشده بودند. این مکشوف نشده بود. این راست است.

۲۳۴. توجه داشته باشید، نمی‌توانید باعث زائل شدن سایه‌ها و نمادها بشوید. همان‌طور که دیشب در مورد سایه‌های روی زمین موعظه کردم، این باید به درستی بیاید. چطور ممکن است که سایه‌ی یک فیل را از آن سوی اطاق داشته باشیم و آن سمت یک انسان کوچک، لاغر و نحیف بیرون بیاید تا آن فیل باشد، یا یک فیل به جای یک مرد کوچک و نحیف بیاید؟

۲۳۵. اگر این را در نماد کامل متوجه بشوید.

۲۳۶. حال، یک زن راستین وجود دارد، یک زن راستین و باکره که با شوهر خود ازدواج و زندگی می‌کند و برای شوهرش یک برکت است. اگر خدا می‌توانست چیزی بهتر از یک همسر به پسر خود عطا کند، این کار را می‌کرد و به او می‌داد.

۲۳۷. ولی زن طراحی شده تا عمل سکس باشد، هیچ حیوان دیگری آن‌گونه طراحی نشده است. هیچ مخلوق دیگری بر روی زمین آن‌گونه طراحی نشده است. به این دلیل است که شما چند همسری را می‌بینید، بخاطر این. این چیزی است که مسبب آن شد.

۲۳۸. حال نگاه کنید، در تحلیل نهایی، یک عیسی مسیح هست، (درست است.) یک انسان، خدا، عمانوئیل، به این ایمان دارید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] اما اعضای همسر او بسیار هستند، می‌بینید؟ هزاران هزار، (درست است؟) همسر او، عروس، کلیسا، حالا متوجه می‌شوید؟ ["آمین!"]

۲۳۹. بخاطر همین است که قبل از اینکه سکس حتی القا و یا وارد شده باشد، خدا به

آدم گفت: "کثیر شوید و زمین را پر سازید."^{۳۱} وقتی که او هنوز در ابتدا بود، زمانی که هنوز مذکر و مؤنث در خود او بود. پس اینجا به ما نشان می‌دهد که عروس می‌بایست از کلام بیاید، توسط تکثیر روحانی و زمین را پر سازد.

۲۴۰. حال در عمل سکس، این دیدگاه این دو را با هم نامتوازن ساخته‌اند. بنابراین نمی‌توانید این کار را بکنید، باید این را به حقیقت آن برگردانید، به «در ابتدا».

۲۴۱. و در انتها یک خداوند عیسی خواهد بود و عروس او بسیار، اسم مفرد. متوجه می‌شوید؟ یک داود بر تخت بود، یک پادشاه (محبوب دل خدا) با ۵۰۰ همسر. عیسی نشسته بر تخت خود، هلولیاه! در سلطنت هزار ساله، با یک همسر؛ همان‌طور که در ابتدا بود، خلق شده از خاک، به سمت خداوند قادر، در رستاخیز و با اعضای بسیار. بفرمایید.

۲۴۲. خانم‌ها! جد و جهد کنید که آن‌گونه باشید، به مسیح درآیید، آن‌وقت در پلیدی دنیای بیرون نخواهید بود. اما مادامی که شما فقط یک عضو کلیسایی هستید و سعی می‌کنید که خودتان یک زندگی خوب و سالم داشته باشید، هرگز موفق نخواهید شد. خارج از مسیح هم موفق نخواهید شد. همان‌طور که گفت: "ولی آنانی که در مسیح هستند، نه مرد و نه زن «بلکه یک هستند»."^{۳۲}

۲۴۳. ولی برای مشخص کردن این ازدواج و طلاق که شما بدانید کدام درست بود و کدام غلط، اکنون او به وضوح در این نمادها این را نشان می‌دهد. یک مسیح هست و اعضای بسیار از یک همسر. توجه داشته باشید، او می‌تواند ما را بخاطر زنا و روحانی و تعلیم غلط کنار بگذارد، هر زمانی که بخواهد. ولی شما چطور جرأت می‌کنید که سعی کنید او را کنار بگذارید و موفق شوید؟ مرد می‌تواند همسر خود را کنار بگذارد و با یکی دیگر ازدواج کند، ولی زن نمی‌تواند شوهرش را کنار بگذارد و دوباره ازدواج

^{۳۱} اشاره به پیدایش باب ۱ و ۹

^{۳۲} اشاره به انجیل متی ۶:۱۹ و انجیل مرقس ۸:۱۰

کند. می‌بینید که تمام این سایه‌ها و نمادها در تعادل و توازن کامل قرار دارند؟ خلقت اصلی را می‌بینید، نه محصول جانبی، در هیچ کجا. نه کلیسا، عروس از طریق کلام، هر بار، نه زن، بلکه مرد. بخاطر همین است که هرگز چیزی برضد مردی که این کار را بکند، نمی‌گویید، همیشه زن است.

۲۴۴. اما زن می‌تواند عروس مسیح باشد، از طریق... یادتان باشد، او بعنوان جزئی از مرد است. کتاب مقدس گفت که می‌تواند در... "زن را اجازت نمی‌دهم که تعلیم بدهد یا بر شوهر مسلط شود، بلکه در سکوت بماند." زیرا که اول آدم ساخته شد و بعد حوا. و آدم فریب نخورد، بلکه محصول جانبی فریب خورد. اما به زاییدن رستگار خواهد شد، اگر در ایمان و محبت و قدوسیت و تقوا ثابت بمانند.

۲۴۵. چرا ابراهیم... چرا خدا سارا را که آنجا نشسته بود و در روی خدا دروغ می‌گفت، نکشت؟ بعنوان یک انسان فانی نشسته بود، نان می‌خورد، شیر می‌نوشید و گفت: "چرا سارا خندید؟" پشت سر او، در درون خیمه، هرگز سارا را ندیده بود و گفت: "این چطور ممکن است؟"

۲۴۶. سارا گفت: "من این را نگفتم." آه، خداوند! رو در روی خدا می‌گویی که خدا دروغگوست؟ ولی او نمی‌توانست سارا را بکشد. چرا؟ چون او جزئی از ابراهیم است. آمین! او نمی‌توانست بدون آسیب زدن به ابراهیم، به سارا آسیب بزند.

۲۴۷. حال شما زنان می‌بینید که به کجا تعلق دارید، کتاب مقدس می‌گوید که: "شما زنان مانند سارا باشید که خود را به لباس شایسته آراست و در صداقت و سلامتی با شوهر خود زیست، او را آن قدر دوست داشت که وی را آقای خویش خطاب می‌کرد."^{۳۳} یعنی حاکم، مالک.

۲۴۸. و شما! برخی از شما زنان، این لباس‌های زننده را می‌پوشید و بیرون می‌روید تا خودتان را در برابر مردان عرضه کنید. عیسی گفت: "هر کس به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است."^{۳۴} پس چه کسی مقصر است، مرد یا شما؟ او یک مرد است، ساخته شده است تا بتواند این عمل را انجام دهد و شما زن هستید و باید رد کند.

۲۴۹. چرا خودتان را این‌گونه عرضه می‌کنید؟ این برای راحتی نیست، می‌دانید که نمی‌تواند باشد، زمانی که با آن لباس‌های کوتاه تقریباً تا حد مرگ در آن سرما منجمد می‌شوید. می‌بینید، نمی‌تواند برای راحتی باشد. پس چیست؟ برای پلیدی است. این را تصدیق نخواهید کرد، ولی این چیزی است که کتاب مقدس می‌گوید. این حقیقت است. این یک روح پلید است که در شماست. شما نمی‌خواهید که پلید باشید، ولی متوجه نیستید، از نظر روحانی پلید هستید، چون دارید خودتان را آن‌گونه ارائه می‌کنید.

۲۵۰. حال یک مرد با زانوهای خمیده و کثیفش، اگر حتی لباسی هم برتن نداشته باشد، هیچ تفاوتی ایجاد نمی‌کند، بدن او وسوسه‌انگیز نیست. چرا؟ او در خلقت اصلی بود، شخصیت، باید باشد. ولی شما محصول جانبی هستید تا توسط آن وسوسه شوند.

۲۵۱. خدا رحم کند، اوه، وقتی این جهان پر از گناه به اتمام برسد، خوشحال خواهیم بود.

۲۵۲. توجه کنید، او (مسیح) می‌تواند هر وقت که بخواهد همسر خود را کنار بگذارد، ولی عکس آن صادق نیست. می‌تواند من را بسازد و هر وقت که بخواهد به خاک بیندازد. ولی برادر! بهتر است من هرگز تلاش نکنم که او را کنار بیندازم، چون کارم تمام است.

۲۵۳. سلیمان می‌توانست با هر زنی که متأهل نبود، ازدواج کند. می‌توانست با هر زنی که می‌خواست ازدواج کند. ولی یک کاهن فقط می‌توانست با زنی که باکره بود، ازدواج کند. سلیمان...

۲۵۴. مانند داود، او با (اسمش چه بود؟) با ایبجایل ازدواج کرد. مردی بود که «احمق» خوانده می‌شد و همسری نیکو داشت. او مُرد و ایبجایل با داود ازدواج کرد. او یک پادشاه بود نه یک کاهن. می‌بینید، پس او، او ازدواج کرد.

۲۵۵. ولی یک کاهن نمی‌توانست این کار را بکند، چون زنی را لمس کرده بود یا زنی را به همسری گرفته بود که همسر کس دیگری بود. پس این باکرگی کلیسای خداوند عیسی مسیح را نشان می‌دهد، عروس باید دست نخورده باشد، کلام، نه اینکه یک کلمه در جایی کم باشد، قطعاً. آیا می‌توانید عروس درستی را تصور کنید که یک سینه‌اش نباشد و دیگری یک ایراد دیگر داشته باشد؟ می‌دانید، این عروس مسیح نخواهد بود. او کامل است. او همه چیزش کلام است، نه اینکه یک کلام در جایی ناقص باشد، خیر.

۲۵۶. توجه کنید، خدا می‌تواند او را کنار بگذارد، ولی او نمی‌تواند خدا را کنار بگذارد. خدا این کار را کرد، این را اثبات کرده است، در دوران لوتر، ولسلی و پنطیکاست، وقتی از اینکه با داشتن یک رابطه‌ی سکس روحانی، بخش بیشتری از او بشوند تا با بخش بیشتری از کلام آبتن بشوند، سر باز زدند. متوجه می‌شوید؟ عروس سر باز زد. کلیسای لوتری مسیح را بخاطر داشتن اشتیاق بیشتر به خود رد کرد. لوتر آن را رد کرد. بگذارید این را به شما بگویم، چون می‌خواهید در هر صورت روی من اسم بگذارید، امروز هم همین گونه است. وقتی که همه‌ی آنها از پذیرفتن کلام قاصرند، مسیح را رد می‌کنند.

۲۵۷. و هر زنی که فرزند داشتن را از مرد دریغ می‌کند، حق ندارد که همسر او باشد. آمین! آیا به یاد دارید که در کتاب مقدس، زمانی که پادشاه با استر ازدواج کرد؟ چون

ملکه از این کار سر باز زده بود، او همسر دیگری اختیار کرد و زمانی که... وقتی او از اینکه بیرون بیاید و او را اطاعت کند سر باز زد، چه اتفاقی افتاد؟ همان امر در مورد زنی که از همسر بودن برای شوهرش سر باز می‌زند، صادق است.

۲۵۸. و همین‌طور در مورد کلیسا که از آبستن شدن در دوره‌ای که در آن زندگی می‌کنیم و ثمر آوردن فرزندان این دوره سر باز می‌زند. ما لوتری نیستیم، و سلی‌ای نیستیم، پنطیکاستی نیستیم. ما باید فرزندان این عصر باشیم، از طریق حاملگی کلام خدا، تا فرزند این دوره را ثمر بیاوریم. یک فرزند ذریت. آمین! امیدوارم که متوجه شوید. او نمی‌توانست آبستن بشود، پس خدا چکار کرد؟ او را کنار گذاشت، با طلاق‌نامه. درست است. ولی او جرأت ندارد که خدا را کنار بگذارد. خدا او را کنار گذاشت.

۲۵۹. او پیش رفت، کلام خویش را بر بدن آشکار کرد و خود را اثبات نمود، همان، از طریق خودش. فرزندان او شروع می‌کنند به بیشتر با او بودن، چون کاملاً دارد به بلوغ می‌رسد، آنها فرزندان کلام می‌شوند نه فرزندان کلیسا، فرزندان کلام. و عروس، یک خانم دوست داشتنی از کلام خواهد بود. دست نخورده، توسط هیچ فرقه‌ی انسانی لمس نشده، هیچ تئوری ساخت انسان. او کاملاً دست نخورده خواهد بود، عروس کلام. آمین و آمین! امیدوارم متوجه شوید، او دختر آبستن شده‌ی خدا خواهد بود.

۲۶۰. می‌بینید که یک زن چه افتخاری می‌تواند باشد؟ می‌بینید که کلیسا می‌تواند چه چیزی باشد. ولی می‌بینید که او را به چه پلیدی رسانده است؟ بعد تلاش می‌کنید که آن کلیسای آن بیرون را با اینجا مقایسه کنید. نمی‌توانید این کار را بکنید. آیا سعی می‌کنید که یک فاحشه‌ی خیابانی را با کلیسای خدای زنده مقایسه کنید، یا زن، یک زن درست را با یک فاحشه؟

۲۶۱. چرا چنین چیزی مانند آن وجود دارد؟ این قانون خداست. قانون تضادها. اگر شب وجود نداشت، چطور می‌توانستیم از روشنایی روز لذت ببریم؟ چطور می‌توانستیم از

هوای صاف لذت ببریم، اگر باران وجود نداشت؟ چطور می‌توانستیم از یک زن خوب لذت ببریم و به او احترام بگذاریم، اگر یک زن بد نبود؟

۲۶۲. با مکشوف کردن این پیشرفت، مکشوف نمودن کلام خود، اما هیچ یک از ما نباید تلاش کنیم که او را کنار بگذاریم و با دیگری نکاح کنیم.

۲۶۳. حال، مسلماً واضح است که چرا هر دو تئوری اشتباه هستند. نمی‌توانید وادارش کنید که از این طرف حرکت کند، در این صورت از بین رفته است، اگر هم به آن صورت انجامش بدهید، از وعده عبور کرده‌اید. اینجا وعده است و همین جاست. کلام در تناقض نیست. باید در تداوم بماند، همان‌طور که انجیل متی ۱۹:۲۸ در تناقض با اعمال رسولان ۳۸:۲ نیست.

۲۶۴. حال می‌دانم که برخی از شما زن‌ها و بعضی از شما مردان، با این موافق نیستید. می‌دانید، نمی‌توانید الان این را پنهان کنید. نمی‌توانید.

۲۶۵. ولی بگذارید چیزی را به شما نشان بدهم. اگر انجیل متی ۱۹:۲۸ می‌گوید: "پس رفته، همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح‌القدس تعمید دهید." و آنها برگشتند و هر کسی که تعمید یافته و در تضاد با آن بوده، یعنی به نام عیسی مسیح تعمید یافته، چون حتی در طول دوره‌ی کتاب مقدس و تا ۳۰۰ سال پس از عصر کتاب مقدس و تا شورای نیقیه این‌گونه تعمید یافتند، پس آنها یک دگم را برگزیدند. اگر مکشوف نشده باشد، چه تفاوتی ایجاد می‌کند؟

۲۶۶. و آیا می‌دانید که تمام کتاب، تمام کتاب مقدس یک مکاشفه است؟ این طریقی است که باید حقیقت را از میان یکی و دیگری تشخیص دهید، چون یک مکاشفه است. و مکاشفه باید دقیقاً مطابق با کلام باشد، نه در تضاد با کلام. می‌گویید: "خوب، این برای من مکشوف شده." آن وقت اگر در تضاد با کلام است، پس هرگز از جانب خدا نبوده. درست است.

۲۶۷. حال اگر می‌خواهید به انجیل متی ۱۸:۱۶ نگاه کنید. عیسی گفت تمام کلیسا، یعنی کلیسای او بر این مکاشفه‌ی روحانی خودش که کلام است، بنا می‌شود. "تو را می‌گویم که تویی شمعون پطرس... جسم و خون این را بر تو کشف نکرده، بلکه پدر من که در آسمان است. و بر این صخره..."

۲۶۸. حال می‌دانم که شما دوستان کاتولیکمان می‌گویید: "بر پطرس بنا شده بود، و سلسله‌ی رسولی، چنین و چنان در یک جانشینی و توالی رسولانی است."
پروتستان‌ها بر این عقیده هستند که «کلیسا بر عیسی مسیح بنا شده».

۲۶۹. نه برای اینکه متفاوت باشیم، بلکه فقط چیزی را که او گفته است، برگیرید: "جسم و خون این را بر تو مکشوف نکرده، بلکه پدر من که در آسمان است، و بر این صخره، مکاشفه‌ی روحانی اینکه کلام چیست، کلیسای خود را بنا خواهم کرد و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهند یافت." همسر او توسط یک مرد دیگر وسوسه نمی‌شود. "کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهند یافت."

۲۷۰. و حال، قائن و هابیل در باغ عدن. قائن مفهوم و درک خودش را برداشت کرد، او گفت: "حال بین، خدا یک خدای نیکوست. او فوق از تمام طبیعت است، پس من لوبیاها و سیب‌زمینی را می‌گیرم و گل‌ها را برمی‌دارم و یک مذبج خیلی زیبا برای او خواهم ساخت." این یک کلیساست. او زانو زد، او به خدا ایمان داشت، خدا را می‌پرستید، دستان خود را برافراشت و این قربانی را گذراند. او هر کار مذهبی که هابیل انجام داده بود، انجام داد.

۲۷۱. هابیل همان نوع مذبج را ساخت. ولی وقتی که هابیل قربانی خود را آورد، یک بره را آورد. حال، قائن فکر می‌کرد که والدینش برای پادزهر گناه، باید میوه بخورند، چنان که در باغ تعلیم یافته بودند. ولی هابیل با یک مکاشفه‌ی الهی می‌دانست این خون

بود که این کار را کرد، از طریق مکاشفه‌ی الهی! و کتاب مقدس در عبرانیان باب ۱۲، باب ۱۱ می‌گوید که هابیل به ایمان، قربانی نیکوتر از قائن گذراند و به سبب آن، شهادت داده شد که عادل است. درست است؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!" "آمین!"]
برادر، خواهر! این برای من به اندازه‌ی کافی واضح است. این همه چیز است.

۲۷۲. حال در مورد ازدواج و طلاق، می‌بینید؟ این باید مکشوف شده باشد. تا زمانی که مکشوف نشود، آن را نمی‌دانید. ولی او وعده داد که در دوره‌ی آخر، در این دوره، تمام اسرار مخفی کتاب مقدس مکشوف خواهند شد. چند نفر این را می‌دانند؟ مکاشفه باب ۱۰. خدا وعده داد که تمام این اسرار مخفی درباره‌ی ازدواج و طلاق و تمام اسرار مخفی دیگر، در زمان آخر مکشوف خواهد شد. یادتان هست که صدا گفت: "به توسان برو." نور اسرارآمیز را در آسمان بخاطر دارید؟ فرشته‌ی هفتم که آنجا ایستاده بود، بازگشت و بازگشایی هفت مهر را؟ ببینید که چه چیزی واقع شده است. این حقیقت است.

۲۷۳. حال کمی جلوتر، اما الآن بشنوید، می‌دانم که زمان غذا خوردن شما رسیده است. ولی من دارم خوراکم را دریافت می‌کنم. [جماعت می‌گویند: "آمین!"]

۲۷۴. توجه کنید، زن جایگاه خودش را دارد، او جواهر است. سلیمان، این مرد ده‌هزار همسر داشت... هزار همسر داشت و گفت: "مردی که همسر یافته، چیزی نیکو یافته است." او گفت: "همسر خوب مانند جواهری در تاج است." این یعنی افتخار، "و زن ناصالح مانند آبی در خون اوست." این حیات و زندگی مرد است. او گفت: "یک مرد عادل از میان هزاران یافتم." سلیمان این را گفته است: "اما یک زن عادل را از میان هزار نیافتم."^{۳۵} سلیمان این را گفت. می‌بینید؟ حال به این توجه کنید.

۲۷۵. ولی می‌دانید، خانم‌ها! شما جواهر هستید، اگر بخواهید که جواهر باشید. ولی اشتیاق باید از جانب شما باشد. و می‌بینید که چرا ازدواج و طلاق بود که عیسی داشت درمورد آن به «در ابتدا» اشاره می‌کرد. چون گونه‌ی شما مسبب تمام گناه بود. به این دلیل است که چند همسری و طلاق‌نامه و این چیزها وارد شد. در ابتدا هرگز این‌گونه نبود، در جهان آینده هم هرگز این‌گونه نخواهد بود.

۲۷۶. بعقوب را ببینید که پاتریارخ‌ها از او پدید آمدند. او یک دوجین همسر داشت، با دو خواهر ازدواج کرد و زنان متعددی دیگری هم در کنار آنها داشت، زانی که با آنها زندگی می‌کرد و آن پاتریارخ‌ها از آن زنان متولد شدند. درست است؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] می‌بینید؟ باید حرکت کلام را در آرامی ببینید.

۲۷۷. اوه، چندین صفحه مطلب درمورد آنها دارم که اگر یک روحانی درمورد آن از من سؤال کرد، بتوانیم بنشینیم و باهم درمورد آن صحبت کنیم. ولی مسلماً، اگر روحانیت داشته باشد، می‌تواند همین‌جا درست بودن آن را ببیند. هیچ تردیدی در این مورد وجود ندارد.

۲۷۸. و یک زن خوب، چیزی نیکوست. این را می‌دانم. این را از طریق زنان حقیقی می‌دانم. من زنان راستینی را ملاقات کرده‌ام که ناب و اصیل هستند. درست به همان اندازه که هر مرد دیگری بوده است.

۲۷۹. او یک محصول جانبی و جزئی از مرد است و در سقوط، مرد به زن گوش کرد. او فقط... او جزئی از مرد است. ولی این به زن مربوط می‌شود، او طوری طراحی شده که می‌تواند پلید باشد، به او حق پذیرفتن یا رد کردن داده شده است. ولی این برخلاف طبیعت اصلی در ابتدا است.

۲۸۰. حال، ساعت دوازده است و من یک چیزی را برای چند دقیقه اینجا حذف می‌کنم. می‌خواهم از شما سؤالی بپرسم.

۲۸۱. یادتان باشد که این را فقط به جماعت خودم می‌گویم، کسانی که گوش می‌کنند، من این را دارم فقط برای جماعت خودم می‌گویم. این پیغام فقط برای آنهاست و چیزی که الآن می‌خواهم بگویم.

۲۸۲. هر خادمی که، بله او شبان گله است، پس هر کاری که می‌خواهد انجام بدهد. این بین او و خداست. هر کشیشی، هر واعظی، این به عهده‌ی شماست، برادر!

۲۸۳. من فقط دارم اینجا در جفرسونویل صحبت می‌کنم، تنها مکانی که این را در آن می‌گویم، چون این گله‌ی من است. این گله‌ای است که روح‌القدس به من داده تا به آن توجه کنم و ناظر آن باشم و من را برای آن مسئول می‌داند. و این جماعت من، ایماندارانی از سراسر کشور هستند که من به مسیح هدایت کرده‌ام. فرزندان کوچک! من برای کمک به شما اینجا هستم. من دوست شما هستم. شاید فکر کنید که برضد شما صحبت می‌کنم، ولی این را برای منفعت خود شما می‌گویم. دوستان دارم و اگر این‌گونه نباشد، خدا داور من است. می‌دانید که دوستان دارم.

۲۸۴. این مطلبی به شدت پرمایه بود و من نمی‌دانستم که چطور آن را مطرح کنم. چکار خواهیم کرد، درحالی که زنان و مردانی را در جماعت خود دارم که برخی از آنها دو یا سه بار ازدواج کرده‌اند؟ مردان و زنانی خوب و همه در این مشکل. چه چیزی باعث آن شده است؟ تعلیم غلط. دقیقاً صبر نکردن برای خداوند.

۲۸۵. "آنچه را خدا پیوست، انسان جدا نسازد." ^{۳۶} نه چیزی که انسان پیوسته است، چیزی که «خدا» پیوسته. وقتی که شما یک مکاشفه‌ی مستقیم از خدا یافته‌اید، این همسر شماست، به همان صورت، از آن شماست، برای مابقی عمرتان. می‌بینید؟ ولی چیزی که انسان پیوند می‌دهد، هر کسی می‌تواند آن را جدا کند. اما چیزی که خدا می‌پیوندد،

^{۳۶} اشاره به انجیل متی ۶:۱۹ و انجیل مرقس ۸:۱۰

هیچ انسانی شهامت دست بردن در آن را ندارد. "آنچه را خدا پیوست،" او گفت: "انسان جدا نسازد." نه چیزی که یک کارمند نیمه مست یا چیزی شبیه به این پیوست، یا یک واعظ لغزش خورده یا یک مشت آیین و اعتقادنامه در کتابی که به آنها اجازه می‌دهد هر کاری در دنیا انجام بدهند. درحالی که کلام خدا درست همان‌جا در برابرشان قرار دارد. می‌بینید؟ دارم از آنچه خدا پیوست، صحبت می‌کنم.

۲۸۶. اکنون می‌خواهم این را به شما بگویم. خیلی مراقبم که چه به شما بگویم. قصد اینکه به شما مردم درستی کنم، ندارم. قصدم درستی کردن با شما برادران شبان نیست. قصدم این نیست. ولی من مسئول هستم، با توجه به اینکه این به دستان من سپرده شده است. و اگر... نمی‌توانم این را نگه دارم. نمی‌دانم که چطور مطرحش کنم، می‌دانم که این نوار این کار را خواهد کرد. اوه، من فقط آماده خواهم شد و دفتر کار را باز می‌کنم، چون این از راه خواهد رسید. می‌بینید؟

۲۸۷. درست همان‌طور که ذریت مار بود، ولی درست بودن آن ۱۰۰٪ اثبات شده است. اینجا بریده‌هایی از چند روزنامه‌ها دارم، از مطالب روزنامه‌ها، جایی که زنان همین الان... و حتی در... حتی خیلی از اسقف‌های بزرگ تصویر اصلی را دارند. یک مار که دور پای زن تنیده است. و اینکه چطور دور او می‌تند، زن تمام انواع احساسات را دارد. چیزی که مرد هرگز نمی‌تواند آن را لمس کند، با این مار بزرگی که دور او تنیده است. این حقیقت محض است و دارد بدتر و بدتر می‌شود. مار، که البته مار نبود، او نمی‌توانست درحالی که یک مار است با او رابطه‌ی جنسی داشته باشد. ولی یادتان باشد...

۲۸۸. یک‌روز یک مباحثه‌ای داشتم با... نه یک مباحثه، یک خادم کلیسای جماعت ربانی می‌گفت: "در این مورد اشتباه می‌کنی." "گفتم: "خوب ممکن است. تمایل دارم که به من بگویید."

۲۸۹. او گفت، شروع کرد به صحبت درمورد آن. نخستین چیزی، می‌دانید، خودش را گم کرد. یک چیزی که گفت، گفت: "برادر برانهام! آن گونه کجاست؟ خدا گفت «از گونه‌ی خودش»، حال آن گونه‌ای که شما گفتید بین انسان و حیوان بود کجاست که علم نمی‌تواند آن را پیدا کند؟ او کجاست؟" و گفت: "آیا بر روی زمین است؟ آیا یک شامپانزه بود؟"

۲۹۰. نه، چون خون یک شامپانزه با زن ادغام نمی‌شود. هیچ حیوان دیگری هم با او ادغام نمی‌شود، نه نمی‌شود. اسپرم مرد هم با هیچ حیوان ماده‌ای ادغام نمی‌شود.

۲۹۱. پس آن حیوان خاص کجاست؟ حال، خدا گفت: "هر چیزی نوع خودش را ثمر بیاورد."

۲۹۲. من یک دقیقه صبر کردم و حلاوت روح‌القدس گفت: "به او بگو، آن اینجاست."

ابتدا گفتم: "خوب، شاید منقرض شده باشد."

گفت: "ولی برادر برانهام! ما داریم از کلام صحبت می‌کنیم. این طور نیست؟"

۲۹۳. گفتم: "بله قربان!" و گفتم: "آنها، مسلماً مدعی چیزهای دیگری هستند، مثل دایناسور و ماموت و این چیزها. ماموت‌ها منقرض شده‌اند. ممکن است این طور باشد."

۲۹۴. او گفت: "برادر برانهام! ما داریم از اثبات و گواه کلام صحبت می‌کنیم، اگر گناه اینجاست، پس گناه اولیه هم باید اینجا باشد."

۲۹۵. من گفتم: "خداوند عیسی! تو گفتی وقتی به حضور افراد می‌آیید، اندیشه مکنید که چه بگویید، چون در آن ساعت این به شما داده خواهد شد. خداوند! چه باید بگویم؟" او گفت: "به او بگو که آن اینجاست." درست همان طور که روی جایگاه رویاها را می‌بینم.

۲۹۶. به او گفتم: "اینجاست." بدون اینکه بدانم کجاست.

او گفت: "کجا؟"

قبل از اینکه من بخواهم حتی فکر کنم، گفت: "مار است."

۲۹۷. این دقیقاً چیزی است که بود، چون او دیگر یک چهارپا نیست. او لعنت شد و برای مابقی عمرش روی شکمش گذارده شد. آن اینجاست. درست است؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] و همچنان در آن عملی که انجام داد، همان گناه همچنان دارد در زن عمل می‌کند، مانند یک جنس نر شبیه آن. اینجا جایی است که زن آن شرایط را یافته است. وقتی او به احساسات و شوری رسیده که فراتر از آن چیزی است که هیچ مردی قادر به انجامش باشد.

۲۹۸. من همین‌جا توقف می‌کنم، چون در یک جماعت مختلط هستیم. من مردان را جمع خواهم کرد و... و بیشتر درموردش صحبت خواهیم کرد. تمام روزنامه‌ها و این چیزها را اینجا همین‌الآن در دست خودم دارم. می‌خواستم امروز صبح برایتان مطرح کنم، می‌خواستم تمام روز را به این پردازم. ولی با گفتن این مطلب صحبت را به اتمام می‌رسانم.

۲۹۹. این مربوط به کلیسای من است، گلّه‌ی کوچکی که به من باور دارد و من را دنبال می‌کند. این برای آنهاست.

۳۰۰. آن روز، با دانستن اینکه وقتی چیزی به شما می‌گویم باید از «خداوند چنین می‌گوید» باشد، کلام را آن‌گونه که برایم مکشوف ساخته بود، داشتم. ولی خداوند خدا! به جماعت چه می‌توانم بگویم؟ شاهد جدایی‌ها خواهم بود. مرد ممکن است روی تراس یا هر جای دیگری بنشیند و با خود فکر کند: "آیا باید همسر خودم را ترک کنم؟" یا زن: "آیا باید شوهرم را ترک کنم؟ باید چکار کنم؟ خداوند! چکار می‌توانم بکنم؟"

۳۰۱. یک چیزی به من گفت: "به بالای کوه برو و با تو سخن خواهم گفت."

۳۰۲. و زمانی که بالای کوه بودم، بدون اینکه بدانم، آن پایین و در توسان داشتند این را مشاهده می کردند. حتی معلم‌ها شاگردان را از کلاس‌ها... دختر کوچکم و سایرین را از کلاس درس بیرون آوردند و گفتند: "نگاه کنید، بالای آن کوه، یک اخگر آتشین در آسمان بالا می رود و دوباره پایین می آید، در آسمان بالا و پایین می رود."

۳۰۳. خانم ایونز! ^{۳۷} اینجا هستید؟ رونی! ^{۳۸} اینجا هستی؟ از آنجا به پایین برگشتم، به سمت پمپ بنزین، این پسر جوان در کنار پمپ بنزین بود، پمپ بنزین ایونز. قبل از اینکه بدانم پسر چه می خواهد بگوید، او پای من را گرفت و گفت: "برادر برانهام! شما آنجا بالای کوه بودید، نبودید؟"

۳۰۴. گفتم: "رانی! منظورت چیست؟ نه." می دانید، برای اینکه بینم می خواهد چکار کند. خیلی وقت‌ها اتفاقاتی می افتد که نمی گویم، یا به مردم نمی گویم. نکته اینجاست که این اتفاق‌ها آن قدر تکرار می شوند که برایتان عادی می شود. می بینید؟ به مردم درمورد آنها نمی گویم. گفتم: "رونی! چه می خواستی..."

۳۰۵. گفت: "می توانم نشانتان بدهم که شما درست کجا بودید." گفت: "من مامان را صدا کردم و آن ابر را که آن بالا معلق بود و بالا و پایین می رفت، تماشا کردیم." گفتم باید برادر برانهام باشد که یک جایی آن بالاست. خداست که دارد با او تکلم می کند."

۳۰۶. و تمام شهر، مردم به آن نگاه می کردند. در روز روشن بدون حتی لکه‌ای ابر در آسمان، با این اخگر بزرگ که آنجا معلق بود و مانند یک قیف پایین می آمد، بازمی گشت و پخش می شد.

۳۰۷. دوستان! دارم مطلب را به انتها می‌رسانم و می‌توانید بروید. این زمانی بود که بر من مکشوف شد، چیزی که می‌خواهم الآن به شما بگویم. پس این را از دست ندهید.

۳۰۸. حال، دارم فقط با جماعت خودم صحبت می‌کنم. فقط کسانی که من و این پیغام را دنبال می‌کنند، نه سایرین. این شاهد من در برابر خدا باشد. فقط برای این گروه.

۳۰۹. حال، ما فقط بخاطر تفسیر نادرست الهیات در این آشفتگی قرار داریم. درست است؟ به این دلیل است که شما زنان برای دومین بار ازدواج کردید و شما مردان، بخاطر تفاسیر نادرست الهیات. حال می‌خواهم چیزی را به شما نشان بدهم که او به من گفت.

۳۱۰. و خدا، خالق ما، عیسی مسیح، وقتی اینجا بر روی زمین بود این سؤال از او پرسیده شد. و زمانی که نبی نجات بخش او، موسی، در مصر پیش آمد تا فرزندان را از مصر بیرون بیاورد و آنها را در سرزمین وعده قرار دهد، عیسی در اینجا گفت که موسی قوم را در این شرایط دید و اجازه داد که طلاق‌نامه بنویسند، چون شرایط آن‌گونه بود. چیزی مثل «اجازت داد» خدا به موسی این اجازه را داد. به آن نبی که برای قوم فرستاده بود، تا اجازه‌ی نوشتن طلاق‌نامه را به آنها بدهد.

۳۱۱. و در اول قرن‌تین باب ۷، آیات ۱۲ و ۱۵ نبی در عهد جدید، که همان شرایط را در کلیسا دید و این را گفت: "این را من می‌گویم، نه خداوند." درست است؟ بخاطر شرایط طلاق.

۳۱۲. «در ابتدا چنین نبود»، ولی به موسی این اجازه داده شد و خدا آن را عدالت محسوب کرد. پولس هم یک حق داشت، زمانی که کلیسای خود را در آن شرایط یافت.

۳۱۳. حال، شما به درست بودن این ایمان دارید و ایمان دارید که از جانب خداست و با

اثبات توسط آن ابر و پیغام او که مرا تا اینجا آورده است، آیا خدا نباید بالای کوه اجازه بدهد که همان کار را بکنم و اجازه بدهم در هر شرایطی که هستید بمانید و دیگر آن را انجام ندهید؟ با همسرانتان بروید و در آرامش زندگی کنید، چون وقت تنگ است. آمدن خداوند نزدیک است. وقت نداریم که این چیزها را باز کنیم. به هیچ عنوان دیگر این کار را نکنید. من فقط دارم با جماعت خودم صحبت می‌کنم. ولی اگر متأهل هستید... خدا در این مورد بر روی کوه بر من شهادت داد که می‌توانم این را بگویم، یک مکاشفه‌ی ماوراءالطبیعه بخاطر بازگشایی هفت مهر و این موضوعی است از کلام خدا. "بگذار همان‌طور که هستند، پیش بروند و دیگر گناه نکنند."

۳۱۴. «در ابتدا چنین نبود»، درست است، چنین نبود. در انتها هم چنین نخواهد بود. اما تحت شرایط مدرن، بعنوان خادم خدا... خودم را نبی او نمی‌خوانم؛ ولی ایمان دارم که شاید، اگر برای آن فرستاده نشده باشم، دارم فضا را برای آمدنش مهیا می‌کنم. پس تحت شرایط مدرن، به شما حکم می‌کنم که الان به خانه‌هایتان بروید، با همسرانتان، اگر با او خوشبخت هستید، با او زندگی کنید. فرزندانان را در ترس خداوند بزرگ کنید. ولی اگر دوباره این کار را انجام دهید، خدا بر شما رحم کند. به فرزندانان تعلیم بدهید که هرگز این‌طور عمل نکنند. آنها را در خدا ترسی پرورش دهید. حال با این شرایطی که در آن هستید، برویم، در این شامگاه دیر هنگامی که در آن زیست می‌کنیم، «بکشیم به جهت دعوت بلند خدا در مسیح»، جایی که همه چیز ممکن است.

۳۱۵. تا شب که دوباره بینمتان، خدا به شما برکت بدهد. دعا کنیم.

۳۱۶. خداوند خدا! شکر می‌کنیم، تو را می‌ستاییم، تو همان یهوه‌ی عظیم هستی که به موسی اجازه دادی، موسی، آن خادم. و او به قوم خود چه می‌گفت؟ و خداوند! تو به او اجازه دادی که نوشتن طلاق‌نامه را اجازه دهد. و پولس، رسول بزرگی که نگارنده‌ی عهد جدید بود، چنان که موسی نگارنده‌ی عهد عتیق بود. موسی شریعت و مقطع شریعت

را مکتوب کرد، خیلی از انبیا کلامشان در آن وارد شده بود. ولی شریعت را موسی مکتوب کرد. و تو به او نوشتن طلاق‌نامه را اجازه دادی، بخاطر سنگدلی آنها.

۳۱۷. پولس بزرگ، بعنوان نگارنده‌ی عهد جدید، می‌توانست چنین ادعایی بکند که: "در این شرایط این را من می‌گویم، نه خداوند." ^{۳۹}

۳۱۸. امروز هم همین‌طور است. خداوند خدا! چنان‌که امروز تحت رحمت خدا هستیم، می‌دانیم که باید به زودی در حضور او پاسخگو باشیم. خداوند! مطمئنم تو آن‌قدر در برابر این افراد عمل کرده‌ای که آنها به این توجه خواهند داشت و خواهند چسبید، گویی که از جانب توست. و امروز تو شاهد باش، خیلی از افرادی که اینجا نشسته‌اند، آن نشانه را در بالای کوه دیدند، جایی که فرشتگان خدا در گردباد آمدند، جایی که مکاشفه‌ی هفت سرّ باز شد، همان فرشته، در همان جهت، در روزی که این مکشوف شد.

۳۱۹. خداوند! دعا می‌کنم مردم با شکرگزاری بابت اینکه خدا این فیض را به آنها عطا کرده، به خانه بروند. ای خداوند! من این را فقط از طریق اجازه‌ی تو گفتم. فقط با این اجازه این را می‌گویم. خداوند! باشد تا قوم چنان شکرگزار باشند که دیگر سعی در انجام گناه نداشته باشند، بلکه به تمام دلشان تو را دوست داشته باشند. خداوند! این خانواده‌ها را خوشحال و خوشبخت نما و آنها فرزندان‌شان را در ترس خداوند پرورش بدهند و بزرگ کنند.

۳۲۰. پیغامی که در قلب من بود، منتقل گشت. خداوند! من تمام کاری را که چگونگی آن را بلد بودم، انجام دادم. شیطان هفته‌ها در جنگ بود و ساعت‌ها بی‌خواب بودم. ولی اکنون ای خداوند! به این افراد که این را مطالعه می‌کنند، حکم می‌کنم که بروند و برای

تو زندگی کنند. این را عطا کن، خداوند! اکنون از دوش من برداشته شده است. آنها در دستان تو هستند. دعا می‌کنم که آنها را برکت بدهی.

۳۲۱. این دستمال‌ها را که برای بیماران و مبتلایان اینجا قرار گرفته‌اند، مبارک بساز، ای خداوند! تا امشب یکی از بزرگ‌ترین و پرقدرت‌ترین شب‌ها باشد و تمام افراد شفا یابند. این را عطا کن خداوند! و به همه‌ی ما برکت بده.

۳۲۲. باشد تا در آرامی، شادی و سرور برویم، چون خدای خلقت «در ابتدا» را به ما نشان داده و فیض و رحمت خود را در این دوره و در آشفتگی که در آن بسر می‌بریم، بر ما افزون ساخته. اوه، خدای عظیم و ابدی! چقدر از این بابت شکرگزار تو هستیم. باشد تا دل‌های ما چنان شادمان باشد که دیگر اشتیاق گناه به تو را نداشته باشیم. در نام عیسی، آمین!

دوستش دارم، دوستش دارم
(چرا نباید دوستش داشته باشید!)

چونکه نخست او مرا دوست داشت
و نجاتم را بر صلیب جلجتا مهیا نمود

۳۲۳. الآن می‌گویم تا خادمین متوجه بشوند. این فقط برای کسانی است که این پیغام را دنبال می‌کنند.

۳۲۴. اوه، خوشحال هستید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] من حقیقت را به شما گفتم، در سرتاسر آن. خداوند چنین می‌گوید.

۳۲۵. حال، سرپا بایستیم و دستانمان را بلند کنیم، همین‌طور که دوباره سرود «دوستش دارم» را می‌خوانیم. او را بخاطر فیضش دوست دارم. او را بخاطر رحمتش دوست دارم.

او را بخاطر کلامش دوست دارم. "و کلام بر انبیا نازل می‌شود."

دوستش دارم

۳۲۶. بیایید، برادر! [برادر برانهام از یک نفر می‌خواهد که بیاید و جماعت را مرخص کند].

این آیه، این سؤال، مسیح در آغاز خدمت خود با آن مواجه شد، موسی در آغاز خدمت خود با آن مواجه شد. این یکی از نخستین سؤالاتی است که در دل ایمانداران است. برای گناهکاران مهم نیست، ولی برای ایمانداران مهم است. چون ایماندار است که تمام تلاش خود را می‌کند تا در برابر خدا یک زندگی درست داشته باشد. از این رو، اگر سؤالی در مورد مذهب پیش آید، مسئله‌ی ازدواج و طلاق پیش می‌آید. چرا؟ زیرا این دلیل گناه اولیه است. اینجا جایی است که گناه شروع شد. و به این دلیل است که هر بار مطرح می‌شود، چون این ابتدای گناه است.

William Marrion Branham

Marriage and Divorce

Jefersonville, Indiana

65-0221M